

بازرسی منازل، اماکن و اشیاء و اشخاص در حقوق ایران و فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۸)

افشین عبداللهی^۱، مصطفی گل محمدی^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه کردستان*

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

یکی از اقداماتی که مقامات قضایی در راستای تحقیقات مقدماتی انجام می‌دهند، صدور دستور تفتیش منازل، اماکن و اشخاص است. اجرای این دستورات ممکن است در مواردی با حقوق و آزادی‌های فردی و به‌ویژه با حریم خصوصی افراد در تعارض قرار گیرد. با توجه به اهمیت موضوع، سوال اصلی تحقیق این است که بازرسی اماکن و اشیاء و اشخاص از لحاظ مبنایی و عملی چه تحولاتی داشته و آیا این تحولات قابل انتقاد است؟ پس از بررسی ضوابط تفتیش و نحوه آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تطبیق آن با قانون مجازات فرانسه این نتیجه حاصل شده است که قانون آیین دادرسی کیفری ایران به نحو مناسب‌تری از حقوق افراد حمایت می‌کند. به این صورت که با شفاف‌سازی و وضع مقررات جدید، راه برای سوءاستفاده مقامات صلاحیت‌دار به حداقل رسیده است. وجود ضمانت‌اجراهای کیفری و وضع تخلفات انتظامی تا حد زیادی تضمین‌کننده صحت تحقیقات خواهد بود. اما قانون‌گذار ایران باید مانند فرانسه برای نقض مقررات مربوط به تفتیش، ضمانت اجرای بطلان تحقیقات را به صراحت اعلام کند؛ هرچند عده‌ای قضات با استناد به ماده ۳۶ قانون مذکور، همین رویه را اتخاذ کرده‌اند. لذا در این راستا، قانون فرانسه می‌تواند مورد توجه باشد و در مدت آزمایشی قانون آیین دادرسی کیفری این نکته مدنظر قانون‌گذار قرار گیرد که با لحاظ نقاط ضعف و قوت قوانین موجود در هر زمینه‌ای که نقضی وجود دارد راه‌حل درخوری ارائه شود.

کلیدواژه‌گان: تفتیش، حریم خصوصی، تحولات قانونی، بازرسی منازل و اشخاص.

مقدمه

یکی از حقوق اساسی بشر که وی را در مقابل تعرضات دیگران به زندگی خصوصی اش و نیز مداخلات ناروای دولت‌ها مورد حمایت قرار می‌دهد، «حق بر حریم خصوصی» است. این حق که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت، حیثیت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، خودمختاری و استقلال فردی و دیگر ارزش‌های مهم بشری دارد، امروزه جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوقی و سیاسی دارد؛ به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای امنیت فردی و حقوق بشر در عصر حاضر مطرح است. نکته قابل توجه اینکه زندگی در اجتماع، انسان را از حق داشتن امور شخصی محروم نمی‌سازد. هر کس حق دارد میزان آگاهی «سایرین» از مسائل فردی خود را به حداقل برساند و از آن انتظار احترام به حریم خصوصی اش را در همه ابعاد داشته باشد. این «سایرین» که اعم از دیگر شهروندان و نیز دولت‌اند باید در برابر تعدی به حریم خصوصی دیگری، خود را با ضمانت‌اجرایی (اعم از مدنی و کیفری) مواجه ببینند و این امر می‌تواند به تضمین هرچه بیشتر این حق اساسی افراد منتهی شود.

حق ناشی از حریم خصوصی در زمره حقوق مهمی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد و هدف از آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان است. حریم خصوصی با استقلال و آزادی انسان‌ها ارتباط گسترده‌ای دارد؛ زیرا فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم ساخته و از ابزار شدن انسان‌ها جلوگیری می‌کند. به انسان‌ها امکان می‌دهد تا اهداف خصوصی خود را تعقیب کنند و عرصه‌ای برای ابراز احساسات و عواطف درونی خود داشته باشند. انسان، موجودی است که به صورت فطری، به مخفی ماندن برخی از امور زندگی خویش تمایل دارد؛ لذا هم خود در مخفی نگه داشتن آن می‌کوشد و هم نسبت به اطلاع یافتن دیگران از آن حساس است و خواستار این است که دیگران حرمت آن را نگه دارند.

یکی از اقداماتی که مقامات قضایی در راستای تحقیقات مقدماتی انجام می‌دهند، صدور دستور تفتیش منازل، اماکن و اشخاص است. اجرای این دستورات ممکن است در مواردی با حقوق و آزادی‌های فردی و به ویژه با حریم خصوصی افراد در تعارض قرار بگیرد. با توجه به اهمیت آن در تحقیق حاضر به تحولات به وجود آمده و نواقص آن خصوصاً در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با نگاهی به قانون آیین دادرسی فرانسه پرداخته می‌شود. نکته قابل توجه اینکه در این مقاله به ابعاد تفتیش در فضای مادی و عینی پرداخته شده است.

۱. ضوابط تفتیش در فضای مادی و عینی

از آنجا که ممکن است در جریان تفتیش و بازرسی توسط مأموران، به حریم خصوصی از جمله اماکن و اشیاء، هویت، آزادی و حقوق اشخاص تعرض یا به آنها خسارات جبران‌ناپذیری وارد شود، قانون‌گذار با توجه به این مهم ضوابط تفتیش را با مذاقهٔ بیشتری مورد توجه قرار داده و در بیشتر موارد برای نقض این تشریفات ضمانت اجرا مقرر کرده است. البته در برخی موارد نواقصی نیز وجود دارد که تطبیق با قانون آیین دادرسی این نواقص را بیشتر نمایان می‌کند. در ادامه به ضوابط اساسی دستور تفتیش پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت حریم خصوصی در قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری، برای نقض بدون رعایت ضوابط مقرر قانونی در مادهٔ ۵۸۰ تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ضمانت اجرای کیفری وضع شده است.

۱-۱. لزوم کسب مجوز از مقام قضایی

حمایت از حریم خصوصی افراد ایجاب می‌کند تا مقام صالح صادرکنندهٔ مجوز، ضوابط تفتیش را به طور مشخص و موردی در دستور صادره قید کند تا جایی برای سوء استفادهٔ احتمالی مقامات اجراکنندهٔ دستور باقی نماند و جریان تحقیقات باید تحت نظارت مقام قضایی انجام شود. بدیهی است که مجوز بازرسی باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا از سوءاستفاده‌های احتمالی در این مورد جلوگیری به عمل آید. در همین راستا، ضروری است که قانون آیین دادرسی کیفری این موارد را با ذکر ضمانت اجرای مناسب به تفصیل مقرر کند. به نظر می‌رسد که چنانچه دستور به بازرسی با ذکر جهات و موارد دقیق آن در قالب «دستور کتبی» صادر شود، از سوءاستفاده‌های بسیاری جلوگیری خواهد شد و چگونگی نظارت بر آن نیز با مشکل روبه‌رو نمی‌شود؛ زیرا کتبی بودن دستورهای صادرشده، باعث می‌شود که مقام‌های قضایی دقت بیشتری کنند و به قواعد و تشریفات دادرسی کیفری اهمیت بیشتری بدهند (کوشکی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

در خصوص لزوم مجوز مقام قضایی در جرائم مشهود عبارات قانون مبهم به نظر می‌رسد. برخی عقیده دارند که قانون‌گذار به طور استثنایی در جرائم مشهود، ضابط دادگستری را جانشین مقام قضایی انگاشته و به دلیل روشنی و رؤیت‌پذیری جرم، گرفتن مجوز قضایی را در این گونه جرائم لازم ندانسته است. به تصریح مادهٔ ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری در جرائم مشهود باید همه اقدام‌های لازم را برای حفظ ابزار و وسایل و آثار و نشانه‌ها و دلایل جرم

و جلوگیری از فرار متهم انجام دهند. مطابق این نظر عموم عبارت «تمام اقدامات» در ماده ۴۴ قانون مذکور، دلالت قوی تری بر اطلاق دارد و این امکان را می‌دهد تا نتیجه بگیریم که اختیارات ضابطان در جرائم مشهود به اندازه‌ای است که اگر برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی او با دیگران لازم باشد، حتی می‌توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتیش محل بزنند، اشخاص و اشیاء را بازرسی کنند و یا حتی جلب نمایند. (خالقی، ۱/۱۳۹۴: ۷۵) در این موارد، فوریت امر و ضرورت اقدام بی‌درنگ مأموران برای حفظ دلایل و صحنه جرم و جلوگیری از فرار متهم، اختیارات فوق‌العاده برای آن‌ها را توجیه می‌کند؛ به نحوی که برای اعمال این اختیارات نیازی به کسب اجازه قبلی از مقام قضایی نباشد. به همین جهت، ماده ۵۵ قانون مذکور، نیز لزوم اجازه مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها و بازرسی اشخاص و اشیاء را محدود به «جرائم غیر مشهود» کرده (خالقی، ۱/۱۳۹۴: ۷۶) و مقرر می‌دارد: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»

با این حال، به درستی اداره حقوقی قوه قضاییه ورود به منازل اشخاص را، حتی در جرائم مشهود نیز، جز در مورد خاص تقاضای ساکنان منزل برای ورود مأموران، بدون مجوز مقام قضایی مجاز ندانسته است.^۱ همچنین در مورد متهمی که متواری است و در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند (تبصره ۳ ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری). با اینکه برخی محل‌های کار، اماکن عمومی بوده و حریم خصوصی کسی نیستند، با این حال، به موجب ماده فوق ورود به آن‌ها و به‌طور کلی ورود به منازل اشخاص برای جلب متهم مجاز نبوده و مقام قضایی باید به‌طور خاص حکم ورود به آن محل‌ها را هم صادر کند. (خالقی، ۱/۱۳۹۶: ۲۲۰) در تأیید نظر اداره حقوقی می‌توان گفت قانون‌گذار در ماده ۴۴ فوق که در مقام بیان جرائم مشهود بوده، فقط در یک حالت و آن هم در بند (ث) و در صورت درخواست شخص ساکن در منزل یا محل سکنی به مأموران اجازه ورود داده است؛ اگر غیر از این بود نیازی به تصریح درخواست شخص ساکن در بند مذکور نبود. مضافاً ماده ۱۳۷ این قانون، برای هرگونه تفتیش و بازرسی اماکن و منازل بسته، به‌طور مطلق چه در جرائم مشهود و چه غیر مشهود، اجازه

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۴/۴.

موردی بازپرس را لازم دانسته است. بدیهی است با وجود صراحت دو مقررۀ فوق جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که برای بازرسی و تفتیش در جرائم مشهود نیز مجوز موردی مقام قضایی لازم است و حتی اگر شک هم وجود داشته باشد، با وجود این دو ماده نمی‌توان چنین شکی را علیه ساکنین منازل و اماکن تفسیر کرد.

دیوان عالی کشور نیز در برخی از آرای خود به صراحت بر رعایت این مقررات و اخذ مجوز از مراجع قضایی تأکید کرده است: «تفتیش و بازرسی منزل، مستلزم رعایت مقررات فصل سوم از باب اول قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به خصوص مواد ۹۶، ۹۷ و ۱۰۰ قانون مذکور است (در حال حاضر: مواد ۱۳۷، ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری). بنابراین، اگر حسب دلایل، ظن قوی به کشف مواد مخدر در منزل وجود نداشته باشد، اصداً اجازه تفتیش منزل خلاف نص ماده ۹۶ قانون موصوف است (ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری). بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۲۶۷ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱ رئیس قوه قضاییه نیز در این خصوص قابل توجه است.» (بازگیر، ۱۳۸۰: ۴۰)

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا مراجع رسیدگی به تعزیرات حکومتی جزئی از قوه مجریه هستند؟ آیا در صورت کشف یا ظن قوی به ارتکاب جرائم تعزیرات حکومتی می‌توانند رأساً وارد منازل و محل سکنای افراد شوند؟ برخی در پاسخ بیان داشته‌اند که این مراجع حق ورود به منازل مسکونی اشخاص را ندارند و آنان نیز برای ورود و بازرسی باید اجازه مقام قضایی اخذ کنند (روایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵). همانطور که اشاره شد در تأیید این نظر می‌توان به اطلاق ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد که به طور مطلق برای هرگونه ورود و تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء اجازه موردی مقام قضایی را لازم دانسته است که شامل مراجع تعزیرات حکومتی نیز می‌شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز همانند حقوق ایران، مقامات قضایی می‌توانند شخصاً به تفتیش بپردازند یا اینکه انجام این امر را به پلیس قضایی واگذار نمایند. البته حتی در این موارد نیز بر اقدامات پلیس قضایی نظارت خواهند داشت. این نکته در مواد ۱۲، ۳۸ و ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تأکید شده است. حتی قانون‌گذار فرانسه یک گام فراتر از قانون آیین دادرسی کیفری ایران پیش رفته است؛ بدین شرح که در ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه حتی در مورد جنایت مشهود ابتدا و بلافاصله دادستان شهرستان باید در جریان امر قرار بگیرد. البته به استناد ماده ۶۷ قانون مذکور، این مقررۀ در مورد جنحه‌های مشهود، در صورتی که مجازات قانونی پیش‌بینی شده

حبس باشد، نیز قابل اجرا است. در جرائم غیرمشهود نیز، پلیس قضایی تحت اوامر بازپرس اقدام می‌کند و از اختیارات کمتری برخوردار است. اگر نظر عدم لزوم مجوز مقام قضایی در جرائم مشهود در ایران پذیرفته شود، به نظر می‌رسد موضع قانون‌گذار فرانسه بهتر از ایران می‌تواند حقوق متهم را تضمین کند؛ زیرا در فرانسه در جنایت مشهود به طور مطلق و در جنحه با مجازات حبس، در همان ابتدا دادستان باید در جریان امر قرار بگیرند و حق ورود به منازل یا اماکن را ندارند.

دستور مقام قضایی باید در شکل مقرر قانونی و کتبی صادر شده باشد. برای مثال، دستور جلب متهم باید در ورقه کتبی، امضا و مهر شده به مهر قضایی باشد. (اردبیلی، ۱/۱۳۹۲: ۲۶۶) این شرط به اندازه‌ای اهمیت دارد که قانون‌گذار در چند ماده از جمله در مواد ۵۸، ۳۴ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صریحاً به این مورد پرداخته است. اصل در دستورات قضایی بر کتبی بودن است، تنها در موارد فوری که امکان صدور دستور کتبی مقدور نیست، امکان دستور شفاهی نیز وجود دارد. اما نباید این حقیقت را نادیده گرفت که برای دستورهای شفاهی، نمی‌توان اعتباری نهاد و برای آن جایگاه قانونی شناخت؛ زیرا اثبات وجود دستور شفاهی، امر ساده‌ای نیست و غالب اوقات شبهه‌برانگیز است. همچنین این امر ممکن است موجب تعدی ضابطان دادگستری شود. قانون‌گذار، ضمن تأکید بر کتبی بودن دستور مقام قضایی بیان می‌کند: «در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود.»^۱ انجام وظیفه پلیسی، به بهانه وجود دستور شفاهی، به ضابطان دادگستری امکان می‌دهد تا آنچه را که می‌خواهند انجام دهند؛ بدون اینکه دستور مقام قضایی وجود داشته باشد. دادن چنین اختیاری، به‌ویژه در پرونده‌های مهم که ساعت‌های نخستین پس از وقوع جرم، برای کشف آن و جمع‌آوری دلایل سرنوشت‌ساز است، بدون مداخله مقام قضایی و دور از نظر او، به هر شکلی که ضابط بخوهد نادرست است. چنین روشی قابل توجیه نیست و امنیت قضایی را خدشه‌دار می‌کند. هرچند این روش از طرفی هم منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا، به این پرسش جواب می‌دهد که در موارد فوری چه باید کرد؟ اما کاربردهای عملی، پاسخ بهتری می‌دهد؛ زیرا که در دادرها و دادگاه‌های بخش، همیشه قاضی کشیک حضور دارد و این کشیک ۲۴ ساعته می‌باشد و تعطیل‌بردار نیست. بنابراین، موردی که ضابط دادگستری، امکان دستیابی به مقام قضایی را نداشته باشد، قابل فرض نیست. (آخوندی، ۲/۱۳۹۴: ۹۰) این امر از جهت دیگر

۱. ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴.

حائز اهمیت است؛ چرا که در ماده ۶۳ قانون مذکور، با ضمانت اجرای سنگین همراه بوده است. از این رو ماده فوق، برای اولین بار، امکان صدور دستور شفاهی مقامات قضایی به ضابطان را پیش‌بینی کرده است، اما به دلیل استثنایی بودن آن، نباید به رویه تبدیل شود و تنها با دو شرط امکان‌پذیر اعلام شده است: یکی لزوم فوریت اجرای دستور و دیگری مقدور نبودن صدور دستور کتبی در آن شرایط. (خالقی، ۱۳۹۶: ۷۰)

ایراد وارده بر ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این است که مشخص نکرده است که منظور از مقام قضایی در ذیل ماده چه کسی است؟ از آنجایی که دستورات شفاهی بیشتر در اوقات کشیک اتفاق می‌افتد اهمیت این موضوع بیشتر می‌شود. اگر منظور، مقام قضایی دستوردهنده باشد مشخص نشده است که در صورت مصادف شدن پایان مهلت مذکور در ماده با تعطیل رسمی تکلیف چیست؟ زیرا در این صورت، کسی که دستور داده در دادسرا حضور ندارد و قاضی کشیک که حضور دارد، دستور نداده و از دستور شفاهی همکار خود نیز اطلاع ندارد، مگر اینکه اتفاقاً مقام دستوردهنده و قاضی کشیک در آن روز یک نفر باشند. (خالقی، ۱۳۹۶: ۷۰)

در ماده ۵۸ نیز ضابط دادگستری باید اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهد و مراتب را در صورت مجلس قید کند. ایراد وارده به ماده مذکور این است که ضمانت اجرای ماده ۶۳ را ندارد. همچنین در مورد دیگر مصادیق ماده ۵۵، راه سکوت را در پیش گرفته است. آیا هنگام بازرسی اشیا و اشخاص ارائه اوراق هویت ضابط بودن و اصل دستور مقام قضایی لازم نیست؟ در پاسخ می‌توان اظهار داشت که هر چند قانون‌گذار در ماده ۵۸ به ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود و اصل دستور قضایی در هنگام بازرسی اشیا و اشخاص اشاره نکرده است، اما از آنجا که قانون‌گذار در ماده ۵۵ صراحتاً دستور موردی مقام قضایی را لازم دانسته و هدفش تضمین امنیت روانی و مادی متهم و جلوگیری از سوءاستفاده مأموران و سایر اشخاص بوده است، لذا با توجه به صراحت این ماده باید گفت که در چنین مواردی نیز ارائه اوراق هویت ضابط بودن و اصل دستور مقام قضایی لازم است؛ به‌ویژه اینکه از لحاظ ذهنی و روانی و شخصیتی، بازرسی بدنی برای خیلی از افراد ممکن است مهم‌تر از بازرسی منازل و اماکن باشد.

ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه رضایت صریح شخصی را که در محل اقامت او تفتیش صورت می‌گیرد، لازم دانسته است. این رضایت باید به صورت کتبی اعلام و در صورتی که نتواند بنویسد، این موضوع و رضایتش در صورت جلسه ذکر می‌شود. البته این رضایت استثنایی هم

دارد و آن در حالتی است که تحقیق در ارتباط با یک جنبه مستوجب حبس پنج سال و یا بیشتر است که در این صورت با درخواست دادستان شهرستان، قاضی آزادی‌ها و بازداشت‌های دادگاه شهرستان دستور اقدامات مذکور را، بدون رضایت شخص ذی‌نفع می‌دهد. همچنین در ماده ۱-۵۶ قانون مذکور، تصمیم مقام قضایی برای تفتیش محل دفتر یا اقامتگاه و کیل دادگستری باید «کتبی» و موجه باشد؛ امری که متأسفانه قانون‌گذار ایران در هیچ یک از مقررات آیین دادرسی کیفری تفاوتی بین وکیل با سایر اشخاص قائل نشده است. لذا بازبینی در این خصوص لازم به نظر می‌رسد. در ماده ۲-۵۶ قانون مذکور تفتیش از یک مؤسسه مطبوعاتی، نیازمند تصمیم کتبی و موجه قضایی است و در ماده ۴-۵۶ قانون مذکور تفتیش مکان‌های تحت پوشش اسرار دفاع ملی، فقط بر اساس تصمیم کتبی قضایی است و موارد متعدد دیگری که در قانون مذکور مقرر شده است.

هرچند ضرورت نقض حریم خصوصی باید در مرحله تدوین قانون توسط قانون‌گذار به‌عنوان شرطی برای جواز این امر در نظر گرفته شود، اما مقام قضایی نیز باید در مرحله اجرای این قانون بر مبنای دلایلی قابل قبول، به این ظن قوی برسد که این قبیل اقدامات در جهت پیشگیری از وقوع جرم، دستگیری متهم و ... ضرورت دارد؛ یعنی هدف از تفتیش باید دستگیری متهم یا جمع‌آوری ادله باشد. به عبارت دیگر نقض حریم خصوصی باید به‌عنوان آخرین راه‌حل باشد. در غیر این صورت، صدور مجوز بازرسی، سوءاستفاده از این امکان قانونی خواهد بود. (محسنی، ۱۳۸۹: ۴۹۶). بازرسی منزل اشخاص در صورتی جایز است که بر حسب دلایل و قرائن کافی بتوان تصور کرد که دلایل و آلات جرم را می‌توان در آنجا کشف یا متهم را در آنجا دستگیر کرد (آخوندی، ۲۰۱۳۹۴: ۲۲۴).

از مجموع مواد قانون آیین دادرسی کیفری این گونه به نظر می‌رسد که در همه جرائم نمی‌توان مجوز ورود به مخفیگاه صادر کرد. به طور مثال اگر از کسی بابت توهین شکایت و متهم احضار و با توجه به عدم حضور وی دستور جلب صادر شده باشد، اما مأموران موفق به جلب وی نشوند، چنانچه شاکی صدور مجوز برای ورود به منزل متهم را تقاضا کند، نمی‌توان اجازه ورود به منزل متهم را صادر کرد؛ زیرا قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ مقرر کرده است که: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد». به طور کلی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، معیار دقیقی در این خصوص ارائه نکرده است و امکان سوءاستفاده را فراهم می‌کند؛ در حالی که در فرانسه همانگونه که اشاره شد در جنبه‌های مستوجب

۵ سال حبس و بیشتر درخواست دادستان شهرستان یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت‌های دادگاه شهرستان را لازم دانسته است.

۱-۲. موردی بودن دستور

با توجه به این که بازرسی از مکان خصوصی امری استثنایی بوده و اصل بر منع تعرض به حریم خصوصی افراد است، موارد مجاز بازرسی از مکان خصوصی باید به صراحت و روشنی در قانون آیین دادرسی کیفری بیان شود. به تصریح ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، باید رابطه‌ای منطقی میان بازرسی و هدف آن برقرار باشد. چنانچه ظن قوی مبنی بر یافتن متهم یا ابزار و وسایل یا دلایل جرم وجود داشته باشد، بازرسی مجاز است. به همین دلیل، در صورتی که بازرسی از منزل یا مکان خصوصی با موضوع اتهام یا یافتن متهم یا جمع‌آوری دلایل ارتباطی نداشته باشد یا اینکه جرم چندان مهم نباشد، دستور بازرسی خلاف قانون است. در مقررات آیین دادرسی سال ۱۳۷۸، مقام قضایی هیچ‌گونه تکلیفی در مورد بیان جهت ضرورت بازرسی نداشت (کوشکی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). اما در ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ تصریح شده است که تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است؛ در این رابطه ماده ۱۳۷ قانون مذکور قابل توجه است که صراحتاً مقرر کرده است «قید جهات ظن قوی در پرونده» برای بازرسی الزامی است؛ البته هر چند ظن قوی یک معیار شخصی است و احتمال سوءاستفاده در آن وجود دارد.

اگرچه تشخیص نوع اقداماتی که باید در خصوص تفتیش صورت بگیرد، برعهده مأموری است که در صحنه وقوع جرم حاضر است، اما وی در تشخیص خود آزادی مطلق نداشته و اقدامات او تابع اصل ضرورت است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار با ذکر عبارت «تمام اقدامات لازم» در ماده ۴۴ بر این نکته تأکید داشته است که هر اقدام ضابط و به طریق اولی هر اقدامی که بدون دستور قضایی می‌خواهد انجام دهد، باید برای جلوگیری از محو آثار و علائم جرم و فرار متهم ضروری بوده و از این نظر قابل توجیه باشد. بنابراین، به‌عنوان مثال، در مورد کسی که از تجهیزات دریافت امواج ماهواره‌ای استفاده می‌کند و وسایل مزبور را آشکارا در بالکن محل سکونت خود نصب کرده، ورود به منزل و دستگیری وی برای حفظ آثار و ادله این جرم و جلوگیری از فرار او هیچ ضرورتی نداشته و اقدامی لازم در برابر جرم مشهود به شمار نمی‌رود (خالقی، ۱/۱۳۹۴: ۷۷). لازم است جزئیات

اقدامات سالب حق حریم خصوصی و اقداماتی که باید انجام شود به صراحت در مجوز صادره ذکر شود. مواردی مانند نوع اتهام، کیفیت، زمان، دفعات ورود به منازل و اماکن خصوصی، اشخاص و اموالی که باید مورد بازرسی قرار گرفته و دلائلی که باید گردآوری شوند، نشانی دقیق منزل یا مکان خصوصی مورد نظر به وضوح قید شود. به عبارت دیگر صدور مجوزهای کلی و مطلق مجاز نیست (محسنی، ۱۳۸۹: ۴۶۹).

منظور از اجازه موردی، اجازه صریح مقام قضایی با ذکر نام متهم و یا ذکر نشانی مکان مورد نظر یا مشخصات اشیایی است که باید تفتیش گردد. (خالقی، ۱/۱۳۹۴: ۷۶) در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات سال ۱۳۹۴ بر موردی بودن مجوز قضایی تأکید شده است و حتی ارجاع کلی تحقیقات به ضابط مانع این مهم نمی‌باشد. حتی عباراتی مانند «بررسی منزل یا وسایل متعلق به متهم» یا «جمع‌آوری اسناد و مدارک لازم و مرتبط با پرونده» نمی‌تواند اجازه موردی باشد و بر خلاف ماده ۵۵ مذکور است. برای مثال، باید صراحتاً قید شود که کمد یا کامپیوتر بازرسی شود و اگر فقط دستور بازرسی باشد، مأمور نمی‌تواند آن را با خود ببرد. در ضمن در نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز بر موردی بودن تأکید شده است؛ از جمله نظریه شماره ۷/۹۳/۷۹۲ مورخ ۹۳/۴/۷ که مقرر داشته است: «... بازرسی باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد و اجازه مقام قضایی به طور عام و کلی در این قانون پیش‌بینی نشده است.» مضافاً طبق ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر این که «موردی» بودن دستور مقام قضایی باید صریحاً مشخص شود، ضابطان را نیز مکلف کرده است که کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کنند و آن را به امضاء متصرف برسانند و ظرف بازه زمانی محدود (۲۴ ساعت) که حاکی از اهمیت آن دارد به مقام قضایی اطلاع دهند. همچنین در دستور ورود و تفتیش باید ترتیب و توالی مقرر قانونی برای بازگشایی و فک قفل رعایت شود و از صدور دستور بازگشایی و فک قفل با صدور دستور، ورود و تفتیش خودداری شود. مقصود از ترتیب و توالی مقرر قانونی آن است که ابتدا باید دستور ورود و تفتیش صادر شود و پس از آن چنانچه ضابطان گزارش دادند متصرف محل از بازگشایی درب امتناع می‌کند و این امر توسط مقام قضایی احراز گردید، دستور بازگشایی و فک قفل داده شود. (مستفاد از ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

در مادهٔ مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه^۱ مقرر شده است: «تمامی تدابیر قهری باید با تصمیم یا نظارت مؤثر مقام قضایی علیه شخص تحت تعقیب اعمال گردد. این تدابیر باید برحسب ضرورت‌های دادرسی و متناسب با شدت جرم ارتكابی در نظر گرفته شود و نباید حیثیت و شرافت افراد را مخدوش کند و باید در مهلتی معقول، به صورت قطعی، در ارتباط با موضوع اتهام رأی داده شود.» همچنین یادآوری این نکته ضروری است که قانون‌گذار فرانسه در مادهٔ ۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به موردی بودن این دستور واقف بوده و برای جلوگیری از بطلان این تحقیقات اعلام داشته است که در رأی قاضی آزادی‌ها و بازداشت باید وصف جرم ارتكابی و همچنین آدرس مکان‌هایی که باید مورد بازرسی قرار بگیرند، مشخص شود. علاوه بر این، در رأی مزبور باید عناصر ماهوی و شکلی که اقدامات مزبور را موجه می‌سازد مشخص شود. این اقدامات باید تحت نظارت قاضی‌ای که آن‌ها را تجویز می‌کند، انجام گیرد. برای جلوگیری از بطلان، اقدامات مزبور باید فقط در راستای تحقیق و بررسی جرائمی باشد که در دستور قاضی آزادی‌ها و بازداشت ذکر شده است. متأسفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشارهٔ صریحی به نظارت مقام قضایی دستوردهنده حین بازرسی نشده است، بلکه رویه به این شکل است که مقام قضایی، دستور بازرسی را صادر و در اختیار مأموران قرار می‌دهد که مأموران پس از بازرسی کامل و پس از اتمام و بدون اینکه در حین بازرسی ناظری بر اعمال خود داشته باشند، نتیجه را خود نوشته و به مقام قضایی ارائه می‌کنند.

رویهٔ قضایی فرانسه تلاش کرده است در پاره‌ای از موارد با اظهارنظر در مورد مصادیق مختلفی که احياناً مطرح گردیده، جمع‌آوری ادله به‌ویژه از طریق بازرسی و تفتیش را در چهارچوب‌های قانونی، نظام‌مند و هدایت‌کننده؛ مثلاً، بازکردن صندوق اتومبیل را بازرسی خانگی ندانسته یا کشتی مسکونی را به‌عنوان اقامتگاه محسوب کرده است. ولی یک آپارتمان مخروبه و غیرمسکونی را اقامتگاه ندانسته است (Borricand, 2005: 291). در حقوق کیفری فرانسه، قانون‌گذار و رویه قضایی پذیرفته‌اند که در جرائم مشهود، در صورتی که دلیل ارتكاب جرم از طریق بازرسی وسیله نقلیه امکان‌پذیر باشد، پلیس بتواند راساً یا براساس نمایندگی بازرسی اقدام به بازرسی اتومبیل نماید.

۱. مادهٔ مقدماتی، مقدمه الزام‌آوری است که در شمارگان مواد ذکر نمی‌شود.

سؤال قابل طرح اینکه اگر در حین بازرسی منزل فردی که متهم به قتل عمد است، مواد مخدر و ادوات استعمال آن کشف گردد، آیا امکان ضبط آن‌ها به موجب همان مجوز وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورتمجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.» می‌توان گفت این ماده در راستای حمایت هرچه بیشتر از حریم خصوصی متهمان می‌باشد اما قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا عبارت «تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه» تاحدی مبهم است. حتی تعیین مصادیق دقیق آن برای مقام قضایی به آسانی میسر نیست؛ چه رسد به ضابطان دادگستری که ممکن است تسلط کامل به قوانین کیفری نداشته باشند.

۱-۳. الزام به تنظیم صورتمجلس

هرچند معمولاً ضابطان دادگستری تمامی اقدامات خود را در جریان انجام تحقیقات مکتوب می‌کنند ولی با توجه به اهمیت موضوع ضروری است که قانون‌گذار، ضابطان دادگستری را ملزم به تنظیم صورتمجلس از نحوه و کیفیت تفتیش و بازرسی از منازل و اماکن کند. تنظیم صورتمجلس دارای فواید متعددی است. از جمله اینکه با ذکر کلیه اقدامات ضابطان، مشخص می‌شود که در قبال آن‌ها بتوان قضاوت و داوری کرد (کوشکی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). با پایان بازرسی، ضابط دادگستری موظف است صورتمجلس دقیقی از جریان بازرسی، از لحظه ورود تا هنگام خروج تنظیم کند. در مواد متعددی این وظیفه ضابطان با وضع ضمانت اجرا همراه است. به‌عنوان مثال، ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری را می‌توان ذکر کرد که پیش‌تر به آن اشاره شد. مواردی همچون استتکاف متصرف قانونی از رؤیت مجوز بازرسی، نحوه ورود و اتفاقات احتمالی، مکشوفات، اشیاء، ادله و آلات احتمالی مربوط به جرم که ضبط شده‌اند، کشف اشیاء، ادله مربوط به جرم دیگر، مدت زمان حضور در محل، کیفیت تفتیش و بازرسی، دفعات ورود و در صورتی که متصرف قانونی غایب باشد تفتیش در حضور دو نفر گواه به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورتمجلس ذکر می‌شود.

تهیه و تنظیم دقیق صورتمجلس به رعایت حقوق متهم در جریان بازرسی کمک شایانی خواهد کرد؛ به طوری که مقام اجراکننده دستور را موظف می‌سازد به دقت ضوابط مقرر در مجوز را

رعایت کرده و نیز اجرای مورد به مورد آن را در صورتجلسه متذکر شود و به امضاء یا اثر انگشت متصرف قانونی برسانند. پیش‌بینی این تکلیف به موجب قانون برای ضابطان ضرورت دارد. صورتمجلس بازرسی منزل مسکونی نیز، باید فرصت کافی به متهم داده شود تا صورتمجلس را بخواند و به متهم تفهیم شود تا اگر اعتراضی به نحوه تنظیم آن دارد، بیان کند. مقام قضایی بعد از شنیدن پاسخ متهم آن را ارزیابی می‌کند و پس از ارزیابی، می‌تواند از آن به‌عنوان راهنمای اثبات بزهکاری بهره‌گیرد (میرشمس شهشانی، ۱۳۸۶: ۹۵). نکته دیگر اینکه اجرای دستور بایستی از طرق عادی صورت گیرد. این قاعده از ابتدای ورود به منزل و مکان خصوصی تا زمان خروج از مکان تحت بازرسی صادق است. ورود به محل جهت بازرسی باید از طریق درب ورودی و با اعلام به مالک یا متصرف قانونی و با ابلاغ حکم بازرسی صورت پذیرد. پریدن از دیوار و یا ورود به منزل از طریق پشت بام و سایر طرق نامتعارف ممنوع است. در موارد استثنایی که ورود به منزل از طریق غیر از درب ورودی ضرورت داشته باشد، جهت ضرورت باید در صورتمجلس قید شود (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۱۶). بازرسی اماکن و منازل در مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اشاره شده است؛ از جمله ماده ۵۶ قانون مزبور به بازرسی و تفتیش اقامتگاه اشخاص اشاره دارد که در مورد جنایات اگر ادله‌ای در مالکیت اشخاصی که به نظر می‌رسد مرتکب جرم شده‌اند، توسط افسر پلیس قضایی تفتیش صورت می‌گیرد و باید از آن صورت‌مجلس تهیه شود. با موافقت دادستان شهرستان، افسر پلیس قضایی فقط اشیاء، اسناد، مدارک و اطلاعات رایانه‌ای را که در کشف حقیقت مؤثر باشد، نگهداری می‌کند. در این ماده تشریفات و توضیحات کاملی درباره‌ی توقیف مسکوکات، شمش‌ها و وجوه مالی وجود دارد.

۱-۴. الزام به پرداخت خسارت و رازداری

ممکن است نحوه تفتیش به صورتی انجام پذیرد که خسارت‌های مادی وارد شود؛ مثلاً درب منزل یا یکی از پنجره‌ها شکسته شود که قانون‌گذار تحت شرایطی مطابق تبصره ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ از متصرف قانونی حمایت کرده است. توسل به زور در اجرای قرار بازرسی در مواردی که متصرف در اجرای قرار خلل ایجاد کند نیز باید در حدود متعارف و با رعایت تناسب و با توجه به شرایط حاکم صورت گیرد. ضرب و شتم متصرفی که تنها به صورت لفظی سعی در ممانعت از ورود مأمورین به ملک خود و تفتیش دارد، صحیح نیست

(میرشمس شهشهانی، ۱۳۸۶: ۹۴). اگر در چنین مواردی صدمه جسمانی یا معنوی به متهم وارد شود، مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متهم می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. همچنین در ماده ۱۴۵ تأکید شده است که حین اجرای دستور بازرسی منازل و اماکن و غیره، تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

موضوع مهم دیگر در این خصوص حفظ رازداری است. مقنن در مواردی و به شرط رعایت ضوابط به مجریان قانون اجازه قدم نهادن در حریم خصوصی افراد را می‌دهد. بدون شک این اقدام اسرار زندگی افراد موضوع انواع تفتیش‌ها را فاش می‌کند؛ به خصوص بازرسی منزل که از عرصه‌های خصوصی زندگی است، به افشاء اطلاعات شخصی وی نزد افرادی می‌انجامد که با مجوز و به حکم قانون پا بدین عرصه نهاده‌اند. در مقابل این اختیار، تکلیفی برای مجریان قانون به وجود می‌آید و آن رازداری است. اطلاعات حوزه حریم خصوصی افراد به هر طریق قانونی که در اختیار ضابطان و نیز مقامات قضایی قرار گیرد، باید با احتیاط زیاد استفاده شود و نهایت رازداری در خصوص آن‌ها به عمل آید. هر مقام رسمی که در تحقیق مقدماتی شرکت می‌کند، مکلف به حفظ اسرار فرد است. اهل خبره و کارشناسان نیز مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای خود هستند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲/۱۷۸).

در قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در چند ماده به این موضوع توجه شده است. از جمله ماده ۱۴۶ این قانون که مقرر می‌دارد: «از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیرمرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود.» همچنین در بند هشتم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، ذکر شده است: «بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.» در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای متخلفان از این ماده واحده ضمانت اجرای کیفری مقرر

شده است که اقدامی مؤثر در راستای حمایت از حریم خصوصی اشخاص است.^۱ از نکات مثبت این مقررات تکلیف بازپرس به رعایت حریم خصوصی متهم با قید ضمانت اجرای کیفری است. اما شاید این سوال به ذهن برسد که چرا تنها از متهم نام برده است؟ در پاسخ می توان گفت در این ماده نه تنها از حریم خصوصی متهم حمایت ویژه شده است، بلکه به طریق اولی و به دلالت التزامی حریم خصوصی اشخاصی که در معرض اتهام نیستند، محترم و در پناه حمایت قانون گذار است. این ماده نیز در راستای حمایت هرچه بیشتر از متهم گام برداشته است و در انتهای ماده مذکور به جرم افشای اسرار حرفه‌ای استناد کرده است که در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) جرم‌انگاری شده است. البته جرم بودن این عمل منوط به آن است که شخص به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم شود. علاوه بر اشخاص مذکور در ماده، می توان وکلای دادگستری، قضات و مأموران انتظامی را نیز در زمره این افراد قرار داد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲/۱: ۵۳۸)

در فرانسه شعبه جنایی دیوان عالی، ضبط اعمال و رفتار کارمندان به وسیله دوربین مخفی جاسازی شده در دریچه کولر توسط شاکی (شرکت تجاری) را برای اثبات سرقت و خیانت در امانت کارمندان، نقض حریم خصوصی اشخاص ندانسته است؛ چرا که این عمل، شبیه به ضبط تصاویر راجع به خلوت و زندگی خصوصی افراد نیست و حتی به بزه دیده اجازه داده است تا بدون اطلاع و آگاهی متهم، گفتگوهای تلفنی توهین آمیز او را ضبط و به دادگاه ارائه کند.^۲ بر همین اساس، قانون گذار فرانسه در جرائم موضوع ماده ۷۳-۷۰۶ یعنی جرائم سازمان یافته به بازپرس اجازه داده است «تا بدون رضایت ذی نفع، دستگاه فنی‌ای که هدف آن دریافت، تدوین، ضبط و پخش گفت‌وگوهای خصوصی یا محرمانه یک یا چند شخص در مکان‌ها یا وسایل نقلیه خصوصی یا عمومی یا تصویر یک یا چند شخص موجود در یک مکان خصوصی است را نصب کند».^۳ از آنجایی که تحقیقات مقدماتی در حقوق فرانسه نیز محرمانه است، «تمام اشخاصی که در جریان رسیدگی حضور دارند موظف به حفظ اسرار شغلی و حرفه‌ای در شرایط و تحت مجازات‌های پیش‌بینی شده در مواد ۱۳-۲۲۶ و ۱۴-۲۲۶ قانون جزا هستند».

۱. مطابق این ماده «...متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

۲. Cass.crim, 17 Juill. 1984: Bull.crim.n 259.

۳. ماده ۹۶-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۲. نحوه تفتیش منازل، اماکن، اشیا و اشخاص

تفتیش منازل، اماکن بسته و تعطیل، اشیا و اشخاص در ماده ۵۵ قانون مذکور، مقرر شده است و یکی از اقدامات مهمی است که ممکن است در تحقیقات مقدماتی صورت گیرد. چنانچه تفتیش با رعایت قوانین و مقررات مدون و احترام به حقوق شهروندی انجام شود، نقش تعیین کننده‌ای در تحصیل دلیل به شیوه قانونی دارد. همچنین کنترل ارتباطات تلفنی اشخاص، کنترل حساب‌های بانکی اشخاص، تفتیش مراسلات پستی و تفتیش داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی اشخاص در مواد جداگانه‌ای مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع، در این قسمت در دو بند به بررسی تفتیش منازل، اماکن، اشیا (بند اول) و اشخاص (بند دوم) پرداخته می‌شود.

۲-۱. تفتیش منازل، اماکن و اشیا

مهم‌ترین عرصه‌ای که پیش از تحولات صنعتی و ظهور فناوری‌های نوین، حریم خصوصی افراد تلقی می‌شد، منزل یا محل سکونت یا وسایل متعلق به آنان است. هر انسانی در حریم شخصی خود ممکن است دارای رازها و وسایلی باشد که مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. ضابطین یا سایر مقامات نباید به راحتی بتوانند چنین مواردی را مورد تفتیش و بازرسی قرار دهند؛ زیرا تفتیش بی قید و بند، سلامت روانی شهروندان را به خطر می‌اندازد و هیچ‌گاه از زندگی در اجتماع احساس آرامش نخواهند کرد و هر لحظه این ترس را در درون خود می‌پروراند که ممکن است مورد تفتیش قرار بگیرند. بر این مبنا، تفتیش علاوه بر اینکه باید مطابق با ضوابط پیش گفته باشد، باید در حضور متصرف قانونی و در روز باشد.

۲-۱-۱. ضرورت حضور متصرف قانونی

برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی و تضمین حق‌های دفاعی صاحب مکان خصوصی، حضور گواه هنگام بازرسی الزامی است (کوشکی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). اصل بر این است که تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی صورت گیرد. حق خصوصی وی لزوم این شرط را توجیه می‌کند. به هر حال عدم حضور وی نباید بازرسی را به تعویق اندازد. چه بسا این مسئله مورد سوءاستفاده‌هایی قرار گیرد و به تأخیر افتادن تفتیش موجبات فرار متهم و امحاء آثار جرم را فراهم آورد. در نتیجه در غیاب متصرف قانونی، بازرسی باید در حضور ارشد حاضرین صورت گیرد تا زمینه سوءاستفاده از

هر دو جهت، پدید نیاید. استثناء وارد بر قاعده موصوف، فوریت بازرسی و عدم حضور کسی در محل است. (میرشمس شهشانی، ۱۳۸۶: ۹۰) البته قانون گذار در راستای حمایت بیشتر از حریم خصوصی حتی در موارد فوری یک راه حل در این زمینه ارائه داده است و آن حضور دو نفر از اهالی محل در غیاب متصرفان و ساکنان است که همه این موارد در صورت مجلس ذکر می شود.

در حقوق فرانسه بازرسی منزل متهم باید در حضور وی که مسلماً نباید قبلاً از موضوع با خبر شود، صورت گیرد و اگر متهم نخواهد یا نتواند حضور پیدا کند، از او خواسته می شود که در صورت حضور به انتخاب خود نماینده ای تعیین کند؛ در صورت غیبت یا امتناع، باز پرس دو نفر خارج از سلطه او انتخاب و از آن ها می خواهد در جلسه بازرسی منزل حضور یابند و صورت جلسه مربوط را امضا کنند. (گاستون استفانی، ۱۳۷۷: ۸۱۱-۸۱۲) همچنین بازداشت بودن متهم را نمی توان دلیل عدم امکان حضور وی در بازرسی منزل تلقی کرد و بنابراین در مواردی که بازرسی منزل متهم زندانی ضروری است، باید مراتب به اطلاع او رسانیده شود و در صورت عدم تمایل او به حضور، چگونگی واقعه در صورت جلسه قید شود. (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۱۷) در قوانین ایران ماده ای که حضور متهم را به عنوان مالک یا متصرف قانونی در زمان تفتیش ممنوع کرده باشد، به چشم نمی خورد؛ بنابراین وی می تواند حضور یابد و اگر زندانی نیز باشد، باید زمینه حضور وی فراهم شود که بهتر بود در مواد قانونی به این حق متهم زندانی نیز تصریح می شد. با این حال برخی گفته اند معمولاً بازرسی منازل و اماکن بدون اطلاع متهم صورت می گیرد؛ لذا دعوت از متهم برای حضور در بازرسی مفهوم ندارد؛ ولی اگر حضور یافت بازرسی در حضور او صورت می گیرد. (زراعت، ۱۳۹۱: ۳۵۰)

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴، برای بازرسی منازل و محل کار اشخاص و مقامات بلند پایه در سطح کشور و استان تشریفات خاصی مقرر شده است. به موجب ماده ۱۳۸ این قانون: «مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) این قانون، باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضائی اجراء شود.» موقعیت حساس شغلی و اعتبار اشخاص مذکور ایجاب می کند که مقام قضایی شخصاً در محل کار یا منزل این اشخاص حاضر باشد و بر امر تفتیش نظارت مستقیم داشته باشد. لزوم تأیید دستور تفتیش توسط بالاترین مقام قضایی استان نیز حاکی از اهمیت این موضوع است. منظور از مقام قضایی در ماده فوق، مقام صادر کننده دستور

تفتیش و بازرسی است. (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۷۴) در ارتباط با دارندگان پایه قضایی در ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ به این صورت تعیین تکلیف شده است: «بازرسی محل کار قاضی در جرائم غیرمشهود، بازرسی بدنی و بازرسی از خودرو و وسایل تحت تصرف قاضی بدون اجازه دادستان ممنوع است.» منظور از دادستان، دادستان انتظامی قضات است.

در حقوق فرانسه برای برخی مشاغل اهمیت خاصی در زمینه حریم خصوصی قائل شده‌اند. از جمله این مشاغل می‌توان به وکالت دادگستری، پزشکی، سردفتری و کار مطبوعاتی اشاره کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه برای تفتیش دفاتر اهالی این حرفه‌ها راه حل مناسبی اتخاذ شده است تا حرمت این مشاغل مهم حفظ شود. در بندهای مختلف ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به تشریفات بازرسی اماکن اشخاص و مؤسسات خاص پرداخته است. از جمله به بازرسی محل دفتر و کیل یا اقامتگاه وی در ماده ۱-۵۶، بازرسی و تفتیش از مکان‌های یک مؤسسه مطبوعاتی، مؤسسه ارتباطات سمعی - بصری، آژانس مطبوعاتی و ... در ماده ۲-۵۶، تفتیش و بازرسی از دفتر پزشک، سردفتر، وکیل (مرحله تجدیدنظر) یا مأمور اجرای دادگستری در ماده ۳-۵۶، بازرسی و تفتیش در اماکن تحت پوشش اسرار دفاع ملی در ماده ۴-۵۶ پرداخته است.

تفاوت بازرسی که قانون فرانسه با قانون آیین دادرسی کیفری ایران دارد در ضمانت اجرای این تشریفات است. البته در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متأسفانه در مورد وکلای دادگستری حکمی متفاوت از اشخاص عادی وجود ندارد که با توجه به حساسیت شغل وکالت و هم‌پایه و همکار بودن وکلا با قضات، بازرنگری و توجه ویژه به شغل وکالت ضروری است. در همین ماده، قانون‌گذار فرانسه صراحتاً ضمانت اجرای موارد مذکور را، بطلان تحقیقات اعلام کرده است. در ضمن قاضی مجری تفتیش بر تحقیقات در جریان نظارت می‌کند تا به آزادی حرفه وکالت لطمه وارد نشود. رئیس یا نماینده کانون وکلاء می‌تواند در صورت اعتقاد به غیرقانونی بودن ضبط یا توقیف سند یا شی، با آن مخالفت کند. در ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر شده است: «افسر پلیس قضایی می‌تواند تا پایان عملیات خود، ترک محل وقوع جرم را نسبت به همه اشخاص ممنوع کند»؛ اما در ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ این دستور توسط بازپرس صادر می‌شود و برای اجرای آن از ضابطان کمک می‌گیرد. در ضمن با اینکه قانون‌گذار فرانسه حضور رئیس کانون وکلا را ضروری دانسته است؛ ولی به آن‌ها اجازه دخالت در امر بازرسی و

تفتیش را نداده است. رأی شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه، نقش رئیس کانون و کلا را تضمین رعایت اسرار حرفه‌ای و حقوق دفاعی متهم و نه دخالت در بازرسی و تفتیش دانسته است.^۱

ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد بازرسی در حضور متصرف انجام می‌شود، در صورت غیبت وی، در حضور دو نفر شاهد صورت می‌گیرد.^۲ ماده ۵۷ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «با توجه به مواردی که در ماده ۵۶ در ارتباط با حفظ اسرار شغلی و حرفه‌ای و حقوق دفاعی بیان شد، اقدامات فوق با حضور شخصی که اقامتگاه وی بازرسی می‌شود، به عمل می‌آید. در صورت عدم امکان حضور، افسر پلیس قضایی موظف است که از وی بخواهد نماینده منتخب خود را برای حضور معرفی کند و در صورت عدم امکان این موضوع، افسر پلیس قضایی موظف است که دو نفر شاهد خارج از سلطه اداری خود، انتخاب کند.»^۳ این نکته حائز اهمیت است که هیچ‌گاه نباید بازرسی فقط در حضور متصرف یا ساکن محل باشد، بلکه قانون‌گذار باید حضور دو نفر شاهد را نیز لازم بداند؛ زیرا در بسیاری از موارد، متهم مدعی عدم رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی حین بازرسی است، ولی هیچ دلیل یا شهادی برای اثبات ادعای خود ندارد. مضافاً اینکه حضور دو نفر شاهد می‌تواند به میزان زیادی از اقدامات خودسرانه مأمورین بکاهد.

همچنین تفاوتی که بین حقوق ایران و فرانسه وجود دارد این است که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه علاوه بر اینکه در مواد مختلف به ضمانت اجرای بطلان تحقیقات ناشی از عدم تشریفات دادرسی مانند نقض حریم خصوصی خارج از چهارچوب قانون اشاره شده است، در ماده ۱۷۱ قانون مذکور به عنوان یک اصل مقرر داشته است: «هنگامی که عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون حاضر یا دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری، به منافع اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آن‌هاست، لطمه وارد آورد، این امر موجب بطلان می‌گردد.» اما در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات

۱. C.Ss. Crim, 24 mars 1960 n 71.

۲. مشابه این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۴۲ است که مقرر می‌دارد: «تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکونای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید.»

۳. Crim, 4 oct, 1989, Bull, no, 163.Cass.

۱۳۹۴ نه تنها چنین ضمانت‌اجرایی وجود ندارد، بلکه اغلب قضات به طور کامل به آن استناد می‌کنند و همان طور که اشاره شد متهم هیچ دلیلی بر بی‌اعتباری آن نمی‌تواند ارائه کند. مضافاً اینکه اصل تحصیل دلیل به شیوه قانونی و ضمانت اجرای آن، صراحتاً به‌عنوان یک اصل در مقررات آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است. همچنین، بازرسی منازل مطابق معمول باید با در زدن و ابلاغ حکم بازرسی صورت گیرد؛ مگر در مواردی که انجام این عمل موجب فرار متهم و یا محو آثار جرم شود که باید از ناحیه مقام قانونی تجسس‌کننده ضرورت آن مشخص و در صورت مجلس قید شود. (آخوندی، ۲۰۱۳۹۴: ۲۲۶) یکی از اختیارات بازپرس این است که در صورت ضرورت، ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز مقرر شده است: «افسر پلیس قضایی می‌تواند تا پایان عملیات خود، ترک محل وقوع جرم را نسبت به همه اشخاص ممنوع کند.»

۲-۱-۲. ضرورت بازرسی در روز

تفتیش منزل و یا مکان خصوصی و حتی بازرسی اشیاء متعلق به افراد از قبیل خودروی شخصی آن‌ها، باید جهت رعایت حال صاحب آن‌ها و نیز حفظ حرمت افراد ساکن در خانه در زمان مشخصی از «روز» صورت گیرد. علاوه بر اینکه اصل بر «مصونیت مطلق اقامتگاه از بازرسی‌های شبانه» دانسته شده است، ضرورت حضور مالک یا متصرف قانونی هنگام تفتیش، چه در خصوص اماکن و چه اشیاء، ایجاب می‌کند جهت رعایت حال وی، تفتیش در روز صورت گیرد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ در ماده ۱۴۰ مقرر می‌دارد: «تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید و در صورتی هنگام شب انجام می‌شود که ضرورت اقتضاء کند. بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید می‌کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می‌یابد.» این نکته اهمیت دارد که اگر ضرورت تفتیش در شب وجود داشته باشد، مقام قضایی موظف است که دستور تفتیش شبانه را صادر کند و حق ندارد آن را تا حلول روز به تأخیر بیندازد (ورویی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳). در موارد تفتیش شبانه جهت تضمین امنیت و حقوق ساکنین شاید بهتر بود که قانون‌گذار حضور مقام قضایی را نیز الزامی می‌دانست. مطابق تبصره این ماده، روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است. برای توجیه ضرورت تفتیش در شب می‌توان این گونه استدلال

کرد که متهم فقط شب‌ها به منزل مراجعه می‌کند یا اینکه با توجه به اهمیت جرم، بیم فرار متهم یا از بین رفتن آثار جرم وجود دارد.

مفهوم روز و شب تا حدی مبهم است، به همین دلیل قانون‌گذار در یک اقدام پسندیده و پیرو اصل شفافیت نصوص جزایی روز را تعریف کرده است. تبصره ماده ۱۴۰ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.» ذکر کلمه منزل در این ماده بدین معناست که بازرسی سایر محل‌ها به غیر از منازل در شب مجاز است. البته می‌توان گفت مقنن از باب مثال این کلمه را آورده است (زراعت، ۱۳۹۱: ۳۵۱). اما منظور از روز در قوانین کشورهای نظیر فرانسه فاصله بین طلوع و غروب نمی‌باشد. بلکه ساعات معینی از شبانه روز است. به همین جهت در سیستم فرانسه و ممالک آفریقایی این زمان را ساعات قانونی نام‌گذاری کرده‌اند. به‌عنوان مثال ساعت مجاز بازرسی منزل در کشور فرانسه، جز در مورد استمداد صاحب‌خانه یا وجود مجوز خاص، بین ساعت ۶ صبح و ۹ شب است. (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

نکته مهمی که باید مد نظر قرار گیرد این است که در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به‌جز در موارد خاص موجود در قانون، تفتیش و بازرسی از محل اقامت اشخاص قبل از ساعت ۶ صبح و بعد از ساعت ۲۱ شب امکان‌پذیر نیست. ضمانت اجرای آن نیز بطلان است. ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مشابه این ماده است که نقض آن ضمانت اجرای خاصی ندارد. یکی از موارد استثنا که در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مورد اشاره قرار گرفت در جرائم سازمان‌یافته است که در ماده ۸۹-۷۰۶ اجازه تفتیش منازل در خارج از ساعات پیش‌بینی شده در ماده ۵۹ را داده است. البته این اجازه باید در قالب قرار کتبی صادر شود و وصف جرمی که دلیل آن جستجو می‌شود و آدرس محل‌هایی که در آن‌ها بازرسی صورت می‌گیرد معین شود. مطابق ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مأمور مسئول اجرای جست‌وجو و تحقیق نمی‌تواند پیش از ساعت ۶ و بعد از ساعت ۲۱ وارد اقامتگاه یک شهروند شود. همچنین در ماده ۲۸-۷۰۶ قانون مذکور، برای تحقیق و کشف جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر، تفتیش‌ها و توقیف‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۵۹ این قانون، می‌تواند در خارج از ساعات پیش‌بینی شده در این ماده، برای ورود به مکان‌های غیرمسکونی که در آن، مواد مخدر مصرف می‌شود یا در آن‌ها مواد مخدر به صورت غیرقانونی تهیه، تبدیل یا نگهداری می‌شود، صورت گیرد.

۲-۱-۳. بازرسی خودروها

یکی از مصادیق مهم اشیاء موضوع بازرسی، اتومبیل است. ایراد وارده بر قانون‌گذار این است که قوانین مدونی در حمایت از حریم خصوصی خودرو ذکر نکرده است. قانون‌گذار از به‌کاربردن نام خودرو در قانون آیین دادرسی کیفری خودداری کرده و آن را ذیل عنوان کلی اشیاء ذکر کرده که باعث تشتت آراء فراوان و اختلاف نظرهای متعدد شده است؟ با این وجود، در ماده ۳۶ منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ماه ۱۳۹۵ مقرر شده است: «حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است مگر به حکم قانون.» در این ماده اقدام مناسبی در جهت حمایت بیشتر از حریم خصوصی خودرو صورت گرفته و لفظ آن به صراحت قید شده است. اقدامی که شایسته بود در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری هم رعایت می‌شد.

در بین حقوق دانان در اینکه آیا ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دو بخش مجزا دارد یا تمام ماده در مورد جرائم غیرمشهود است، اختلاف نظر وجود دارد. به همین دلیل در مدت کوتاه تصویب این قانون، چند نظریه مشورتی راجع به این ماده صادر شده است. در یک نظریه از اداره حقوقی قوه قضاییه^۱، به اختلاف نظر راجع به لزوم اخذ مجوز در جرائم مشهود در مورد ورود به منازل اشخاص تأکید شده است. در نظریه دیگری از اداره حقوقی قوه قضاییه^۲، استدلال شده است که با توجه به ماده ۵۵ قانون مذکور، صدور مجوز بازرسی از خودروهای مظنون به حمل مواد مخدر یا اسلحه و یا سایر موارد مظنون به نحو مطرح شده در استعلام باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد و اجازه مقام قضایی به طور عام و کلی در این قانون پیش‌بینی نشده است.

سؤال اینجاست که چرا با گذشت بیش از یک قرن از تصویب اولین قانون دادرسی کیفری در ایران هنوز مقررات مناسب و شفاف در این زمینه وجود ندارد؟ شاید در یک قرن پیش، استفاده از خودرو به اندازه امروز رایج نبود؛ اما اکنون که روز به روز اهمیت این وسیله بیشتر می‌شود، بهتر است که مقررات مناسبی درباره چگونگی تفتیش آن و حمایت بیشتر از حریم خصوصی اشخاص وضع شود. در پی همین غفلت دستگاه قانون‌گذاری است که اداره کل قوانین و امور حقوقی نیروی

۱. شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۴/۴.

۲. شماره ۷/۹۳/۷۹۲ مورخ ۹۳/۴/۷.

انتظامی در تاریخ ۷۹/۴/۱۱ با صدور بخشنامه‌ای خطاب به کلانتری‌ها و مأموران نیروی انتظامی سراسر کشور اجازه تفتیش و بازرسی خودروها، حتی در جرائم غیرمشهود بدون کسب اجازه از مقام قضایی را به آن‌ها داده بود که توسط دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۷۷ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۸ ابطال شد.

عدم شفافیت قوانین و نبود مقررات مناسب باعث شد تا اینکه قانون‌گذار در تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ مقرر کند: «ماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.» علاوه بر اینکه از دامنه حمایتی حریم خصوصی کاسته شده ابهامات دیگری را نیز به وجود آورده است. در پایان ماده مقرر شده است: «... و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست...» سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا تمام وسیله نقلیه از شمول حریم خصوصی خارج شده است یا فقط جاهایی از وسیله نقلیه که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به صدر تبصره، فقط جاهایی از وسیله نقلیه از شمول حریم خصوصی خارج است که بدون تجسس می‌توان آن را مشاهده کرد. مثلاً با مشاهده از شیشه‌ها می‌توان داخل خودرو را دید زد. اما داشبورد یا صندوق عقب و ... که باید با تجسس از محتوای آن مطلع شد، همچنان از حمایت حریم خصوصی برخوردار است.

سؤال دیگری که به ذهن می‌رسد این است که رابطه تبصره مذکور با ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری چگونه است؟ آیا این دو مقرر با هم تعارضی دارند؟ آیا خارج کردن جاهایی از وسیله نقلیه از شمول حریم خصوصی به معنای بازرسی این موارد است؟ آیا در جرائم مشهود می‌توان بدون مجوز از مقام قضایی به تفتیش خودرو پرداخت؟ در ماده ۵ این قانون مقرر شده است: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.» در جمع تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و ماده ۵۵ مذکور باید گفت که ضابطان می‌توانند از شیشه ماشین به داخل خودرو نگاه کنند و اگر جرمی را مشاهده نمایند، در این حالت این جرم مشهود خواهد بود و می‌توانند مطابق قواعد جرم مشهود اقدام کنند. اما اگر عمل مجرمانه‌ای مشاهده نکنند، نمی‌توانند خودرو را متوقف یا اینکه صندوق عقب آن را بررسی کنند؛ زیرا در چنین

حالتی قواعد جرم غیرمشهود حاکم خواهد بود و بدون دستور موردی مقام قضایی نمی‌تواند اقدام نمایند.

یکی از وظایف نیروی انتظامی علاوه بر اجرای دستورات مقام قضایی، به استناد ماده ۳۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان یا شهرستان است. گاهی اوقات شورای تأمین استان یا شهرستان مصوب می‌نماید که در فلان منطقه از حوزه است حفاظی استان یا شهرستان، پست ایست و بازرسی گذاشته شود. این گونه پست‌های ایست و بازرسی محدود به ضابطان نبوده و توسط نیروهای انتظامی و نظامی مانند سپاه پاسداران، نیروی مقاومت بسیج و ارتش نیز قابل اجراست.

در مقابل اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌های مشورتی متعددی که در پاسخ به استعلام‌های صورت گرفته از آن اداره ابزار داشته است که بازرسی خودروهای عبوری توسط مأموران در این محل‌ها، بدون دستور مقام قضایی در جرائم غیرمشهود غیرقانونی است.^۱ همچنین اگر موضوع تفتیش اتومبیل است، باید مشخصات کامل آن از جمله شماره پلاک، رنگ، نوع و مشخصات خودرو در مجوز مشخص گردد. با وجود تمامی مقررات مذکور در عمل شاهد بازرسی تمامی خودروها در محل‌های ایست و بازرسی هستیم. امری که در جرائم غیرمشهود باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد، اما در عمل مقررات مربوط رعایت نمی‌گردد.

در ضمن قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مورد تفتیش وسایل نقلیه مقررات مفصلی دارد که در مواد ۷۸-۲-۲، ۷۸-۲-۳، ۷۸-۲-۴ ذکر شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نبود این مباحث ملموس است. در ماده ۷۸-۲-۲ با درخواست کتبی دادستان شهرستان، در جرائم مهمی مثل اعمال تروریستی در مدت محدودی (کمتر از ۲۴ ساعت که قابل تمدید است)، برای کنترل هویت اشخاص و بازرسی وسایل نقلیه، برای یک مدت ضروری وسایل نقلیه را متوقف می‌کنند و هنگامی بازرسی بر روی وسیله نقلیه در حالت توقف صورت بگیرد، این بازرسی در حضور راننده یا مالک و وسیله نقلیه یا در غیاب آن‌ها، با حضور شخص مورد درخواست توسط افسر یا مأمور پلیس قضایی انجام می‌شود. در ماده ۷۸-۲-۳ این اجازه به افسران پلیس قضایی و در صورت ضرورت،

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، شماره ۷/۲۵۱۶ مورخ ۷۴/۷/۲۲.

مأموران پلیس قضایی و مأموران معاون پلیس قضایی داده شده که در صورت وجود دلایل مقبول بر ارتکاب جرم مشهود نسبت به بازرسی وسایل نقلیه اقدام کنند.^۱

۲-۲. تفتیش و بازرسی اشخاص

یکی از موارد حریم خصوصی انسان، حریم جان و بدن وی است. در مورد معاینه بدن (به خصوص در جرائم جنسی) ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.» در این ماده به رضایت یا عدم رضایت اشخاص هنگام آزمایش‌ها توجهی نشده و حتی در مورد نوع این آزمایش‌ها قانون ساکت است.

حریم خصوصی جسمانی از نظر نویسندگان منشور حقوق شهروندی، پنهان نمانده است. در ماده ۴۰ منشور مقرر شده است: «هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزار دهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.» این ماده در وجوه مناسبی به حمایت از حریم خصوصی جسمانی پرداخته است. علاوه بر بازرسی بدنی به آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری

۱. با توجه مواد مذکور در قانون فرانسه شرایطی که برای تفتیش خودرو پیش‌بینی شده عبارتند از:

- درخواست کتبی دادستان شهرستان

- ضروری بودن تفتیش، در رابطه با این شرط، نکته شایان ذکر اینکه این شرط در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز پیش‌بینی شده است، اما مقام تعیین کننده ضرورت چیست؟ یا معیار ضرورت چیست؟ که قانون فرانسه نیز در این باره مثل قانون ایران در مورد سوالات مذکور با خلاء مواجه است.

- موردی بودن تفتیش، بدین صورت که تفتیش کی و کجا و چگونه صورت گیرد است.

- در حضور مالک و در غیاب راننده در حضور شخص خارجی.

- تنظیم صورت‌مجلس در صورت نبود راننده و شخص خارجی در مواردی که تفتیش به امنیت و اموال اشخاص ضرر دارد. فلسفه وجودی حضور شخص خارجی هنگام غیبت راننده، تضمین صحت و درستی تفتیش است. اینکه چرا در مواردی که تفتیش نسبت به امنیت و اموال اشخاص ضرر دارد و حضور شخص اختیاری شده است؛ معلوم نیست که به نظر می‌رسد قانون آ.د.ک. فرانسه در این مورد با خلاء مواجه باشد.

نیز اشاره کرده است که جای تحسین دارد؛ اما نداشتن ضمانت اجرا ضعف بزرگی است که باید قوه مقننه بدان توجه کند.

بازرسی بدنی عبارت است از: «کاوش بدن یا لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم، به قصد یافتن ادله مخفی مربوط به جرم یا اسلحه یا کشف هویت». هدف و فایده بازرسی بدنی ضبط و توقیف دلایل اثبات جرم (در جهت کشف حقیقت) و حفاظت از جان مظنون، متهم، مأموران انتظامی و مردم از هرگونه خطر بالقوه است. در خصوص بازرسی جسمانی اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای اصل را آزادی عمل بیشتر مأموران می‌دانند و بازرسی را به صرف ظن به ارتکاب جرم مجاز می‌دانند. عده‌ای دیگر حرمت خلوت (حق حریم خصوصی) و رعایت آزادی‌های فردی را مبنا قرار داده و انجام بازرسی جسمانی را به موارد بسیار استثنایی محدود می‌کنند. نظر بینابین این است که قوانین و مقررات دقیق، مرزهای حقوق جامعه و آزادی‌های فردی را تعیین کنند. (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۰۰) در قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص بازرسی جسمانی افراد به جز دو ماده ۵۵ و ۵۶ مقررات خاصی مشاهده نمی‌شود.

در فرانسه رویه قضایی این کشور به صراحت اعمال هرگونه خشونت فیزیکی که منتهی به خدشه‌دار شدن تمامیت جسمانی اشخاص می‌گردد را محکوم نموده است و آن را غیرقانونی و نامشروع می‌شمارد و حتی ادله اکتسابی از این طریق را نامعتبر و باطل اعلام می‌کند.^۱ پلیس اجازه استفاده از خشونت جسمانی یا روانی مانند طولانی کردن غیرعادی بازجویی‌های بدون استراحت (97 Bull.crim.n 26 fevr.1991: Cass.crim) یا شیوه‌های علمی اخذ اقرار مانند استفاده از پولی‌گرافی، نارکوآنالیز، و یا هر شیوه شیمیایی یا پزشکی را که اراده اشخاص را مختل می‌کند، ندارد و استماع شاهد تحت خواب مصنوعی (369 Bull.crim.n 12 décembre 2000 : Cass.crim.) یا بازجویی از متهم تحت هیپنوتیزم از دیدگاه دیوان عالی کشور ممنوع و ادله مأخوذه فاقد وجاهت قانونی است. (248 Bull. Crim.n 01-86.467: Cass.crim., 28 novembre 2001)

۱. Cass.crim., 12 décembre 2000: Bull. crim., n 369 .

۲-۲-۱. بررسی هویت

قانون گذار فرانسه به بررسی هویت توجه ویژه‌ای نموده است و فصل سوم از بخش دوم از کتاب اول قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه را به این مهم اختصاص داده است. اجرای مقررات مربوط به شناسایی هویت تحت نظارت مقامات قضایی است.^۱ در ضمن طبق قانون، هر شخص موجود در سرزمین فرانسه باید پذیرای کنترل هویت مقامات پلیس باشد.^۲ البته برای کنترل هویت باید یک یا چند دلیل موجه برای ایجاد ظن در موارد زیر وجود داشته باشد: او مرتکب جرم شده است و یا شروع به ارتکاب جرم کرده است؛ او برای ارتکاب جنایت یا جنحه، اقدامات مقدماتی را انجام می‌داده است؛ او دارای اطلاعات مفیدی در ارتباط با جنایت یا جنحه است؛ او موضوع دستور تحقیقات صادره توسط مقامات قضایی قرار گرفته است. در ماده ۲-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز مقرر شده است که مأموران پلیس قضایی و معاونین آن‌ها می‌توانند از هر طریقی، هویت شخصی اشخاص مذکور را شناسایی کنند.

اما عاملی که موجب پیوند حریم خصوصی جسمانی و کنترل هویت شده است، امتناع شخص از اثبات هویت خود و یا ارائه‌دادن ادله‌ای مبنی بر نادرست بودن هویت نامبرده است که عملیات لازم جهت تشخیص هویت اشخاص از قبیل انگشت‌نگاری و عکس‌برداری با اجازه دادستان شهرستان و بازپرس صورت می‌پذیرد. نکته‌ای که در راستای از بین بردن نقض حریم خصوصی صورت می‌گیرد این است که جریان انگشت‌نگاری یا عکس‌برداری باید به طور اختصاصی در صورت جلسه‌ای قید شود و باید روز و ساعت کنترل هویت و نگهداری شخص در آن ذکر شود.^۳ صورت جلسه مزبور به دادستان شهرستان تحویل داده می‌شود و یک رونوشت از صورت‌مجلس به ذی‌نفع داده می‌شود. در صورتی که اقدام تحقیقی و یا اجرایی لازم باشد و منجر به نگهداری شخص شود، شخص مذکور باید از این حق خود آگاه گردد که می‌تواند دادستان شهرستان را در جریان اقدام و یا تدبیر مورد نظر قرار دهد. ضمانت اجرای زمان‌های پیش‌بینی شده در این ماده، ابطال

۱. ماده ۱-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۲. ماده ۱-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۳. ماده ۳-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

اقدامات است.^۱ همچنین اگر شخصی از دستور مقام قضایی برای بررسی هویت امتناع کند، ضمانت اجرای کیفری دارد. اشخاصی که از اقدامات انگشت‌نگاری و یا عکس‌برداری پیش‌بینی شده به وسیله دادستان شهرستان و یا بازپرس، مطابق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۳-۷۸ امتناع ورزند، به سه ماه حبس و ۳۷۵۰ یورو جریمه نقدی محکوم می‌گردند.^۲

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز مانند ایران، بازپرس امر تحقیقات مقدماتی را برعهده دارد و در همین راستا بر طبق قانون به کلیه اقدامات تحقیقاتی که او برای کشف واقعیت، مفید ارزیابی می‌کند، اقدام می‌نماید. این تحقیقات چه به نفع و چه به ضرر شخص باشد، انجام می‌شود. یک کپی از این اقدامات و کلیه اسناد دادرسی نگهداری می‌شود.^۳ در همین راستا بازپرس می‌تواند معاینه پزشکی و آزمایش روان‌شناسی را تجویز کند یا نسبت به هر اقدام مفیدی دستور دهد. «اگر طرف دعوا درخواست کتبی و موجهی مبنی بر اقدام به یکی از آزمایش‌ها یا هر تدبیر مفید دیگری که توسط بند پیشین پیش‌بینی شده است، مطرح کند، بازپرس در صورتی که معتقد نباشد که چنین حقی وجود دارد، بایستی حداکثر ظرف مهلت یک‌ماه از تاریخ رسید درخواست، قرار موجهی را اتخاذ نماید.»

علی‌رغم تدوین مقررات در خصوص بررسی هویت در فرانسه، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، به‌جز بررسی هویت متوفی و بررسی صحنه جرم مطلب خاصی دیده نمی‌شود. برای نمونه اگر ضابطان در خیابان با شخص مشکوکی برخورد و از هویت وی سوال کنند و شخص امتناع کند، مقررات و ضمانت اجرای خاصی وجود ندارد. بر این اساس ضروری است مقرره‌ای در این‌باره پیش‌بینی شود.

۲-۲-۲. تفتیش از روی لباس

خفیف‌ترین نوع بازرسی بدنی، تفتیش از روی لباس است؛ اما این خفت به خودی خود توجیه‌کننده این نوع بازرسی نیست و باید ضوابط دقیقی برای اعمال آن تعیین شود؛ زیرا این نوع تفتیش نیز تجاوز به حریم جسمانی افراد است. این نوع بازرسی در حالتی قابل تحقق است که بدون

۱. ماده ۳-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

۲. ماده ۵-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

۳. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

وجود هرگونه اتهامی و بنا بر دلایل و ملاحظاتی برای تأمین امنیت اماکنی خاص مثل فرودگاه‌ها، اماکن مذهبی خاص، برخی مناسبت‌ها و ... افراد متوقف و بازرسی می‌شوند. در این موارد بازرسی بدنی بدون کسب مجوز قضایی مجاز است. اما با توجه به اینکه بازرسی بدنی افراد نسبت به بازرسی اموال و املاک، حساس‌تر است و ناقض حریم خصوصی اشخاص و برخلاف شأن و مرتبه انسانی است، باید بدون نقض کرامت انسانی و ضمن اتخاذ تدابیر مؤثری برای تضمین این امر، مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، تا حد امکان به جای بازرسی محسوس بدنی، فناوری‌های کنترل نامحسوس به کار گرفته شود. در هر حال افرادی باید توسط مأموران یا کادر پزشکی هم‌جنس خود بازرسی شوند. (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۱۰)

بازرسی بدنی اشخاص در دو حالت جرم مشهود و جرم غیرمشهود قابل تحقق است. در مورد جرائم مشهود ضابطان می‌توانند با توجه به اختیاراتی که در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری به آن‌ها داده شده است، اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل آورند. مطابق نظر برخی که به انتقادات وارد به آن اشاره شد، حتی می‌توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتیش محل بزنند، اشخاص یا اشیاء را بازرسی کنند و یا حتی متهم را جلب نمایند. (خالقی، ۱/۱۳۹۴: ۷۵) در این موارد ضابطان می‌توانند با هدف دفع خطر احتمالی ناشی از حمل اسلحه و یا کشف آلات و ادوات جرم، مظنونان به ارتکاب جرائم و کسانی که احتمال یافتن دلایل از آن‌ها هست را مورد تفتیش قرار دهند. این نوع تفتیش به بازرسی سطحی البسه و جیب‌های بیرونی آن و وسایل همراه فرد از قبیل کیف دستی و ساک محدود خواهد بود. (میرشمس شهبانی، ۱۳۸۶: ۹۸)

نمونه دیگری از بازرسی بدون مجوز قضایی، بند ۲ ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ است که مقرر می‌دارد: «مسئول بازدید و کنترل ورود و خروج افراد و وسایل موظف است علاوه بر امور محوله، اقدامات زیر را انجام دهد؛ اول بازرسی دقیق از وسایل نقلیه و اشیایی که به هر نحو به زندان وارد و یا خارج می‌شوند و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه و دوم بازرسی بدنی از زندانیان و مراجعین به هنگام ورود یا خروج از زندان و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه.»

همچنین ماده ۷۹ آیین‌نامه مذکور مقرر می‌دارد: «بازدید بدنی و لوازم همراه محکومان هنگام ورود و خروج به مؤسسه یا زندان و آسایشگاه به هر علتی الزامی است.» این قبیل بازرسی‌های بدنی

به علت ضرورت احراز ضریب امنیتی و موقعیت خاص برخی اماکن بدون نیاز به صدور مجوز بازرسی به حکم قانون مقرر شده‌اند. به نظر می‌رسد منظور از بازدید بدنی بازرسی از روی لباس است. اما بازرسی بدنی ممکن است حتی منجر به درآوردن لباس نیز شود. البته محیط خاص زندان نیز این امر را تا حدی توجیه می‌کند اما این عمل باید با رعایت موازین شرعی و قانونی صورت گیرد.^۱

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در جرائم مشهود مقرراتی مربوط به حریم خصوصی جسمانی وجود دارد. نمونه‌گیری به‌عنوان یکی از روش‌هایی که مربوط به حریم خصوصی جسمانی اشخاص است، مورد توجه قانون‌گذار فرانسه قرار گرفته است. در ماده ۵۵ قانون مذکور مقرر شده است: «در مکان‌هایی که جنایت ارتکاب یافته است، تغییر وضعیت محل و اقدام به هرگونه نمونه‌گیری، قبل از اولین اقدامات در راستای تحقیقات قضایی، ممنوع و مستوجب جزای نقدی پیش‌بینی شده برای خلاف‌های طبقه چهارم برای هر شخص فاقد صلاحیت است. با این وجود، زمانی

۱. مقررات مشابه دیگری در برخی قوانین وجود دارد از جمله: ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۲۸ اشاره مختصری به این نوع بازرسی دارد. مطابق این ماده: «در مواردی که جنحه یا جنایتی داخل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می‌کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود، فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مأمورین صلاحیتدار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی، تفتیشات و تحقیقات مقدماتی را به عمل آورده، دلایل و مدارک جرم را جمع‌آوری و تأمین نماید و در صورت لزوم می‌تواند موقتاً مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف کند. مسافری و اعضای هیئت رانندگی را تفتیش و اشیایی را که ممکن است دلیل جرم باشد توقیف نماید...» این ماده نیز دارای محدوده مضیق است و ناظر بر موارد خاص می‌باشد. در قوانین متفرقه دیگری نیز به حریم خصوصی جسمانی توجه شده است. بر طبق ماده ۸۵ مکرر که در تاریخ ۹۱/۸/۱۶ به قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ الحاق گردیده است: «چنانچه در کشتی جرمی رخ دهد، فرمانده کشتی موظف است تا زمانی که مداخله مقامات صلاحیت‌دار میسر شود، در مقام ضابط دادگستری و با رعایت قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات مربوط بدون هرگونه تأخیر اقدامات لازم را در جهت حفظ و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم انجام دهد و بی‌درنگ با استفاده از وسایل ارتباطی سریع، مراتب را به مقامات صلاحیت‌دار قضایی و بندری و حسب مورد نزدیکترین نمایندگی کنسولی و دیپلماتیک ایران در خارج از کشور اعلام و کسب تکلیف کند. فرمانده در صورت لزوم علاوه بر بازرسی مسافران و کارکنان و خدمه کشتی و ضبط اشیایی که ممکن است دلیل جرم باشند، مکلف است متهمان و مظنونان به ارتکاب جرم را تا زمانی تسلیم آنان به مراجع و مقامات صلاحیتدار، با رعایت اصل سی و دوم (۳۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت نظر قرار دهد و در اولین فرصت گزارش جامعی از موضوع جرم و اقدامات انجام شده و نتایج آن تهیه و به همراه دلایل و مدارک به مراجع و مقامات صلاحیت‌دار تسلیم نماید.» در ماده مذکور اجازه بازرسی مسافران، کارکنان و حتی خدمه کشتی به فرمانده کشتی داده شده اما مشخص نشده است که حدود این بازرسی به چه صورت است؟ آیا بازرسی با درآوردن لباس را هم شامل می‌شود؟ در صورتی که خود فرمانده کشتی مرتکب جرم مشهودی شود چه کسی حق بازرسی بدنی وی را خواهد داشت؟

که این تغییرات و نمونه‌گیری‌ها به خاطر امنیت یا بهداشت عمومی یا به خاطر مراقبت از بزه‌دیدگان دستور داده شده باشد، این موضوع، استثناست.» جایگاه ماده خاصی در خصوص نمونه‌گیری به‌ویژه در جرائم علیه آسایش عمومی مانند جرائم علیه بهداشت عمومی در مقررات دادرسی کیفری خالی است که قانون‌گذار می‌تواند در این زمینه تدابیر خاصی بیان‌دیشد.

همچنین در ماده ۱-۵۵ قانون مذکور، به افسر پلیس قضایی یا مأموران تحت نظارت وی اجازه داده شده است که در موارد ضروری، بر روی هر شخصی که قابلیت ارائه اطلاعاتی در ارتباط با اعمال مجرمانه دارد یا هر شخصی که یک یا چند دلیل قابل قبول مبنی بر ارتکاب جرم وجود دارد، به نمونه‌گیری‌های خارجی ضروری جهت آزمایش‌های فنی و تخصصی و مقایسه با آثار باقی‌مانده در محل وقوع جرم اقدام کنند. در ضمن در انتهای این ماده برای اشخاصی که دلایل موجهی مبتنی بر ارتکاب جرم علیه آن‌ها وجود دارد و از عملیات نمونه‌گیری خودداری کنند، ضمانت اجرای کیفری (یک سال حبس و ۱۵ هزار یورو جزای نقدی) مقرر کرده است. در غیر از موارد جرم مشهود، وظیفه ضابطان دادگستری به اعلام وقوع جرم به دادستان محدود می‌شود و فاقد اختیاراتی هستند که در جرائم مشهود دارند. نکته‌ای که ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به آن اشاره دارد، ممنوعیت ضابطان از ورود به منازل اشخاص یا اماکن تعطیل حتی عمومی و تفتیش آنجا و نیز بازرسی اشخاص و اشیاء و یا جلب متهم بدون اجازه موردی مقام قضایی است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۱)

گاهی، ضابطان با مواردی روبرو می‌شوند که در آن‌ها اگرچه جرم مشهودی به وقوع نپیوسته است، اما بر اساس اوضاع و احوال، ظن قوی‌ای در آن‌ها بوجود می‌آید که حکایت از شرکت یا معاونت فردی در ارتکاب جرم دارد. این ظن قوی بایستی الهام‌گرفته از دلایل و مدارک متعارف و اوضاع و احوال حاکم باشد و برای هر انسان متعارفی در آن شرایط چنین ظنی ایجاد شود. نکته مهم اینکه تشخیص ظن قوی فقط به عهده مقام قضایی رسیدگی‌کننده است (وروایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۱)

که در این صورت با هدف کشف جرائم احتمالی یا پیشگیری از وقوع جرم و حفظ نظم و امنیت عمومی، ضابطان باید طبق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مجوز موردی از مقام قضایی بگیرند؛ هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. «تفتیش دل‌بخواه و بدون قاعده افراد با این استدلال که به‌عنوان مثال گروه خاصی از جوانان یک منطقه خاص همیشه ریگی به کفش دارند، نشأت گرفته از معیار ذهنی به جای معیار نوعی بوده و گاهی به محکومیت پلیس

بازرسی اشخاص در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است. قانون‌گذار به حریم خصوصی جسمانی افراد توجه کرده و آن را در ردیف تفتیش منازل، اماکن تعطیل و ... قرار داده است. در ماده ۶۳ قانون مذکور برای نقض حریم خصوصی جسمانی، ضمانت اجرای مناسبی مقرر نموده است: «تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.» برای اینکه قانون‌گذار تأکید نماید که واژه «اشخاص» در ماده ۵۵ مذکور را تصادفی ذکر نکرده، آن را در ماده بعد تکرار نموده و مقرر داشته است: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.» این ماده یکی از نتایج موردی بودن مجوز قضایی است. اما انتقاد وارده به این ماده این است که اگر ضابطان اشخاصی را که غیرمرتبط با موضوع تفتیش بود، بازرسی بدنی کردند، چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟ در ماده ۶۳ قانون مذکور، برای تخلف از این ماده ضمانت اجرایی وضع نشده است. همچنین در ماده واحده حقوق شهروندی نیز به صراحت به بازرسی بدنی اشخاص توجه نشده است که البته قابل انتقاد است. شاید انتقاد دیگر وارد بر قانون‌گذار این است که چرا ضابطان را هنگام بازرسی اشخاص، مانند ورود به منازل و اماکن بسته و تعطیل مکلف به ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود نکرده است؟ که پاسخ آن در صفحات پیشین داده شد. در هر صورت، تعیین تکلیف دقیق و موردی قانون‌گذار ضروری است. عدم ذکر جزئیات بیشتر در مورد حریم خصوصی جسمانی افراد موجب دخالت گسترده و سلیقه‌ای ضابطان دادگستری خواهد شد. با این وجود، بر خلاف اشخاص عادی و حتی وکلا، در قوانین و مقررات ایران نسبت به منصب قضاوت، اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند. قضات به علت شغل حساسی که دارند باید از تضمینات شغلی متناسب با حرفه خویش برخوردار شوند. به همین دلیل حریم خصوصی آن‌ها در ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است: «بازرسی محل کار قاضی در جرائم غیرمشهود، بازرسی بدنی و بازرسی از خودرو، و وسایل تحت تصرف قاضی بدون اجازه دادستان ممنوع است.» منظور از دادستان در این ماده دادستان انتظامی قضات است.

۲-۲-۳. تفتیش بدنی اشخاص

نوع شدیدتری از بازرسی، بازرسی بدنی با درآوردن لباس، از یک سو به دلیل لطمه شدیدتر به حریم خصوصی جسمانی و از سوی دیگر نقض حرمت و شخصیت و دستیابی به اطلاعات خصوصی افراد، باید با دقت بیشتری انجام شود. غالباً علت انجام این نوع بازرسی بدنی کشف ادله احتمالی جرم است که به صورت آثاری بر روی بدن فرد باقی مانده و یا به گونه‌ای مخفی شده است که از طریق دیگر دستیابی به آن امکان پذیر نبوده و در پاره‌ای موارد به منظور کشف اجسام پنهان شده و نظایر آن می‌باشد. (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۰۶) ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری تنها به عبارت بازرسی اشخاص بسنده و از ذکر جزئیات پرهیز کرده است. سوال اینجاست آیا طبق این ماده می‌توان به بازرسی بدنی اشخاص با درآوردن لباس آن‌ها اقدام کرد؟ متأسفانه در قانون آیین دادرسی کیفری به جز ماده ۱۳۶ قانون مذکور که به معاینات و آزمایش‌های پزشکی اشاره کرده است، مورد مشخص دیگری به چشم نمی‌خورد. ماده ۵۵ این قانون نیز که به طور کلی در خصوص بازرسی اماکن و اشخاص و اشیاء، اجازه موردی مقام قضایی را لازم دانسته است، کافی به نظر نمی‌رسد. این مواد به هیچ‌وجه پاسخگوی حمایت از حریم جسمانی اشخاص نیست.

در ماده ۵-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر شده است، در صورتی که ضرورت تحقیقات ایجاب کند، شخص تحت نظر مورد معاینات جسمانی قرار گیرد. این معاینات توسط پزشک انتخابی به عمل می‌آید. در بازرسی اندام‌های داخلی بدن، هدف کشف و دستیابی به ادله‌ای است که متهم آن‌ها را در اندام‌های خود پنهان کرده است. ولی به هر حال انجام این گونه بازرسی‌ها معمولاً با نقض حریم خصوصی اطلاعاتی شخص همراه است. این دسته از بازرسی‌ها اغلب با معاینات منافذ بدن و گاه با اعمال جراحی همراه است. بنابراین با حالت شدیدتری از نقض حریم خصوصی جسمانی افراد ملازمه دارد و در نتیجه باید تحت ضوابط دقیق‌تر و با سخت‌گیری بیشتر نسبت به سایر معاینات پزشکی انجام شود. (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۱۶)

جسم بشر مأمنی برای مخفی ساختن ادله جرم نیست. با این حال، در مواردی ممکن است بر اساس برخی امارات و قرائن، این ظن قوی در مقامات قضایی یا ضابطان دادگستری ایجاد شود که دلایل جرم در داخل بدن فرد مظنون یافت شود. برای مثال می‌توان از مصرف کنندگان، فروشندگان و قاچاقچیان مواد مخدر یاد کرد که گاهی به صورت عمدی ادله جرم را با بلعیدن مخفی می‌کنند. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۹۱) گاهی نیز بدن افراد به صورت طبیعی حافظ ادله جرم می‌شود. مثلاً خون افراد به

طور طبیعی می‌تواند تا مدتی الکل و مواد مخدر و آثار دارو را در خود نگه دارد و در نتیجه، به هنگامی که درباره وضعیت روانی و روحی مظنون بحث می‌شود، دلیلی برای تصمیم‌گیری راجع به این موضوع خواهد بود. «البته تفتیش‌های داخلی بدن لزوماً به قصد تحصیل ادله ارتکاب جرم انجام نمی‌گیرد و ممکن است هدف از این نوع تفتیش کسب اطلاعات راجع به وضعیت سلامت جسمی یا روانی فرد باشد. نمونه چنین تفتیش‌هایی در مورد متقاضیان استخدام صورت می‌گیرد. در مجموع، مهم‌ترین تفتیش‌های داخلی بدن عبارت‌اند از: آزمایش خون^۱، معاینه داخلی و جراحی^۲ برای کشف یک موضوع و شستشوی معده»^۳ در بازرسی بدنی افراد نیز باید صورت جلسه تهیه شود و به امضای فرد بازرسی‌شده و مأمور بازرسی برسد. در نهایت، مقام قضایی نتیجه آن را به متهم تفهیم کند. دفاعیه‌های او را بشنود و سپس ارزیابی کند. (آخوندی، ۱۳۹۴: ۷-۲۷۵)

در حقوق فرانسه، قانون جاده، اجازه انجام برخی آزمایشات پزشکی و بررسی الکل خون راننده و وسیله نقلیه را داده است^۴ و دیوان اروپایی حقوق بشر این موضوع را نقض کرامت انسانی اشخاص ندانسته است. به همین مناسبت، شورای قانون اساسی با ارائه مفهوم گسترده‌ای از کرامت بشری، اظهار داشته است که «نمونه‌گیری‌هایی منطبق با قانون اساسی است که هیچ‌گونه رنج، تجاوز یا تعدی به کرامت اشخاص ذی‌نفع وارد نیاورد»^۵

بخش بیستم قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت عنوان «اوراق ملی خودکار آثار ژنتیکی» اجازه داده است تا در مورد مرتکبین جرائم مذکور در ماده ۵۵-۷۰۶ همین قانون^۶ با استفاده از آثار ژنتیکی یا نمونه‌های زیستی بدن آن‌ها (به استثنای قطعات تعیین‌کننده جنسیت) به منظور تسهیل شناسایی هویت مرتکبین این جرائم و تعقیب آن‌ها، پایگاهی از اطلاعات ژنتیکی و زیستی تحت یک قاضی تشکیل گردد و اشخاص مرتکب جرائم مذکور در ماده ۵۵-۷۰۶ ملزم به پذیرش این نمونه‌گیری‌ها هستند.^۷

1. Blood tests.

2. Surgery and internal probing

3. Stomach pumping

4. Art.L.1.C.route.

۵. Décision n 2003-467 DC.du 13 mars 2003, cons. 55, J.O.du 19 mars

۶. مانند جرایم جنسی، جنایات علیه بشریت، تجارت انسان، اعمال تروریستی و..

۷. ماده ۵۶-۷۰۶ و ۵۴-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه، در حالات خاص در مورد افراد حامل مواد مخدر که این مواد را در داخل بدن خود مخفی می‌کنند، مسئولین گمرک می‌توانند هنگام عبور این اشخاص از مرز، در صورت مظنون شدن به آن‌ها، با موافقت این اشخاص، آن‌ها را تابع بررسی‌های پزشکی قرار دهند ولی هیچ‌گونه تدبیر و اقدام الزام‌کننده‌ای نمی‌تواند به کار گرفته شود و در عمل با تحت نظر قراردادن اشخاص، موضوع حل می‌شود.^۱

در مورد نمونه‌گیری از خون و هوای بازدم اشخاص مظنون به شرب مشروبات الکلی یا مصرف مواد مخدر نیز قانون‌گذار فرانسه، برای کسانی که این نمونه‌گیری‌ها را نپذیرند، مجازات کیفری در نظر گرفته است، ولی «هیچ‌گونه اجبار فیزیکی در قانون به علت احترام به حقوق و آزادی‌های اشخاص تجویز نشده است.» (تدین، ۱۳۸۸: ۳۸۰) براساس ماده ۴-۲۳۴ قانون جاده، هنگامی که آزمایش میزان الکل در هوای بازدم، اجازه اثبات وجود الکل را می‌دهد یا هنگامی که اشخاص مظنون، این آزمایش را نمی‌پذیرند، می‌توان با تجزیه و تحلیل هوای بازدم یا از طریق تجزیه و تحلیل و بررسی «پزشکی، آزمایشگاهی و زیستی» نمونه‌ای از خون به بررسی موضوع پرداخت. نپذیرفتن این بررسی‌ها توسط راننده، دارای مجازات رانندگی در حالت مستی با الکل (تا دو سال حبس و تا ۴۵۰۰۰ یورو جزای نقدی) است.^۲ براساس مواد ۲ و ۱-۳۳۵۴ قانون مأكولات و مشروبات، هنگام کشف جنایت یا جنحه یا تصادف رانندگی که به نظر می‌رسد تحت تأثیر مصرف الکل صورت گرفته است، پلیس موظف است به بررسی‌های «پزشکی، آزمایشگاهی و زیستی» مذکور در ماده ۴-۲۳۴ قانون جاده بر روی اشخاص مرتکب اقدام نماید. نپذیرفتن این بررسی‌ها، تا یک‌سال حبس و ۴۵۰۰۰ یورو جزای نقدی به دنبال خواهد داشت.^۳ ناگفته نماند که در فرایند کیفری ایران، در عمل برخی آزمایش‌ها از جمله سنجش میزان الکل در خون، معاینه معده برای پیدا کردن مواد مخدر، دست‌زدن به نقاط حساس بدن برای پیدا کردن مواد مخدر یا منفجره و موارد مشابه صورت می‌گیرد، ولی مستند صریح قانونی ندارد.

۱. Cass.crim., 30 Juin 1999 Bull.crim .n 169.

۲. Art.L.23-8,I,c.route.

۳.Art.L.3354-2 C.déb.boissons.

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در هنگام انجام تحقیقات مقدماتی به افسران پلیس قضایی اجازه «نمونه‌گیری‌های خارجی ضروری جهت آزمایش‌های فنی و تخصصی و مقایسه با آثار باقی‌مانده در محل وقوع جرم» را داده است و برای خودداری اشخاص از پذیرش این اقدامات و عملیات نمونه‌گیری مجازات تعیین کرده است.^۱ افسران پلیس قضایی در جریان تحقیق می‌توانند بر روی اشخاصی که علیه آن‌ها یک یا چند دلیل موجه برای دخالت در جرم وجود دارد، اقدام به عملیات نمونه‌گیری خارجی کنند. این نمونه‌گیری‌ها اجازه انجام مقایسه با آثار و قرائن تهیه‌شده برای ضرورت‌های تحقیقاتی را می‌دهد.^۲ این مأموران همچنین می‌توانند به فهرست‌برداری آثار و علائمی اقدام کنند که در اوراق خاصی نگهداری می‌شوند. کلیه این تدابیر با رضایت ذی‌نفع صورت می‌پذیرد و عدم رضایت او دارای مجازات تا یک سال حبس است. اخذ اثر انگشت و عکس‌برداری همچنین می‌تواند در فرایند بررسی هویت اشخاص نیز صورت پذیرد.^۳

نتیجه

موضع حقوق ایران و فرانسه به مقوله حریم خصوصی تحویل‌گرایانه است. به این صورت که در قالب قانون مجزایی به این امر نپرداخته و به قوانین دیگر احاله کرده‌اند. در قانون اساسی دو کشور از به‌کاربردن این واژه پرهیز شده است. آنچه راجع به ضوابط تفتیش و حمایت از حریم خصوصی ذکر شد، به معنای مصونیت مطلق آن نیست، بلکه هدف رعایت مقررات و بیان ضوابط به صورت شفاف است تا همگان به اجرای آن اهتمام ورزند. به‌کاربردن واژه‌هایی مانند «اجازه‌موردی»، «قید جهات ظن قوی» و غیره همگی مؤید این است که مقام قضایی صادرکننده دستور، باید نهایت دقت را مبذول دارد تا حریم خصوصی اشخاص به صورت غیرقانونی نقض نشود. با وجود پیشرفت‌های مناسبی که در زمینه شفاف‌سازی ضوابط تفتیش و حمایت از حریم خصوصی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ذکر شد اما برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که ضمانت اجرای بطلان را برای نقض تفتیش و حریم خصوصی مقرر کرده است، در قانون ایران به صراحت به این موضوع مهم اشاره نشده است؛ هرچند مشاهده شده است که قضات در این موارد به موادی همچون ماده ۳۶

۱. Art.55-1 C.pr.pén.

۲. مواد ۱-۵۵ و ۲-۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۳. مواد ۳-۷۸ و ۵-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ استناد کرده و نتیجه تحقیقات را در پرونده‌هایی که حریم خصوصی بدون توجه به ضوابط تفتیش نقض گردد، فاقد اعتبار می‌دانند. همچنین با توجه به ازدیاد وسایل نقلیه در سالهای اخیر و لزوم توجه ویژه به بحث خودرو، مقررات ویژه‌ای در این زمینه ضروری است. شاید در ۹۰ سال پیش خودرو به اندازه‌ی اکنون اهمیت نداشت، اما حال که به امری مبتلابه تبدیل شده است، قانون‌گذار نیز باید به ضوابط دقیق تفتیش این مهم پردازد؛ زیرا ذکر کلمه‌ی اشیاء در این خصوص با توجه به اهمیت امروزی وسایل نقلیه کافی نیست. نقطه‌ی ضعف دیگر در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در زمینه‌ی حریم خصوصی، پرداختن به ابعاد مختلف تفتیش جسمانی است. قانون‌گذار تنها به بازرسی اشخاص در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون مذکور اشاره نموده و از پرداختن به جزئیات بیشتر خودداری کرده است. لازم به ذکر است تفتیش و بازرسی از جمله اقداماتی است که مقام قضایی در تحقیقات مقدماتی موظف است که شخصاً به عمل آورد، اما ماده‌ی ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ امکان ارجاع این مهم را به ضابطان دادگستری داده است که با توجه به اهمیت حریم خصوصی و سپردن اختیار مطلق به ضابطین در این زمینه قابل انتقاد است.

بیشترین توجه قانون‌گذار به قلمرو حریم خصوصی در ارتباط با حریم خصوصی اماکن و منازل است که قابل انتقاد نیز به نظر می‌رسد. از جمله انتقادات مهمی که در این مورد وجود دارد، مبهم بودن ماده‌ی ۵۵ قانون مذکور است که معلوم نیست آیا قسمت اول ماده با توجه به مفهوم مخالف آن در جرائم مشهود نیز لازم‌الرعایه است یا فقط در مورد جرائم غیر مشهود است؟ پیشنهاد می‌شود که در مدت آزمایشی قانون به بازنگری در این خصوص نیز پرداخته شود. همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مواردی همچون جرم مشهود، بازرسی و تفتیش و همچنین منزل تعریف نشده است و فقط به ذکر مصادیق آن پرداخته است. شایسته است که تعریف آن مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد تا ضابطان دادگستری به درستی از عهده‌ی وظایف خویش که کاملاً مرتبط با این قضیه است برآیند. چون اختلاف نظر در این زمینه‌ها ممکن است موجب تضییع حقوق اشخاص و از جمله نقض حریم خصوصی آن‌ها شود. به‌عنوان مثال آیا خانه‌های ساخته‌شده بر روی قایق‌ها، بخش‌های مسکونی کشتی‌ها، اتاق‌های اختصاصی هتل‌ها، چادر مسافرتی که در داخل یک مکان عمومی نصب شده است، منزل محسوب می‌شود؟ البته شاید در پاسخ بتوان گفت که ماده‌ی ۱۴۲ قانون فوق‌الذکر بین منزل و محل سکونت تفکیک قائل شده است و محل‌های اخیر را می‌توان محل سکونت دانست. در

نهایت باید گفت قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ نسبت به حریم خصوصی اشخاص بی توجه نبوده و حمایت بیشتری نسبت به قوانین قبلی از اشخاص در گیر در پرونده کیفری کرده است. همچنین به نقش منشور حقوق شهروندی و آیین‌نامه‌های مختلف نیز می‌توان اشاره کرد که همگی در اعتلای کرامت انسانی نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. ایراد دیگر اینکه نحوه تعیین بررسی هویت به‌ویژه در رابطه با تفتیش بدنی و انجام آزمایشات پزشکی، مقررات صریحی وجود ندارد که شایسته است قانون‌گذار در این زمینه اهتمام بیشتری مبذول دارد.

منابع

فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ سی و دوم، تهران: انتشارات میزان.
- انصاری، باقر (۱۳۹۰)، **حقوق حریم خصوصی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان .
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد هفتم (اثبات بزه کاری و راهنماهای آن)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- تدین، عباس (۱۳۸۸)، **تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۶)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ نهم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، **قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی**، چاپ ششم، تهران: انتشارات خط سوم.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۶)، **حمایت از حریم خصوصی در مکان خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران**، مجله حقوقی دادگستری، مقاله ۵، دوره ۷۱، شماره ۵۸.
- گاستون استفانی، ژرژ لواسور، برنار بولوک، (۱۳۷۷)، **آئین دادرسی کیفری (جریان دادرسی کیفری)**، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- محسنی، فرید (۱۳۸۹)، **حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفری در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- میرشمس شهبهانی، مانده (۱۳۸۶)، **حمایت از حریم خصوصی در جریان تحقیقات مقدماتی**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، **حقوق کیفری اختصاصی ۱ (جرایم علیه اشخاص)**، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- یدالله بازگیر (۱۳۸۰)، **آرای ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی**، چاپ اول، تهران: دانش نگار.

فرانسه و انگلیسی

- Borricand, Jacques, Anne-marie Simon, (2005), *Droit penal et procedure penale*, 4^{ème} édition, paris, Dalloz.

- Cour de cassation, Chambre criminelle, 24 mars 1960 71-76, Publie au bulletin. Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 12 décembre 2000, 00-83.852, Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 17 juillet 1984,84-91.288, Publie au bulletin. Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 26 fevrier1991, 87-90.360, Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 28 novembre 2001, 01-86.467 Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 30 juin 1999, 82-97.351, Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 4 octobre, 1989, 86-88, 163, Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Cour de cassation, Chambre criminelle, du 8 janvier1979, 77-93.038, Publie au bulletin, Visited at www.legifrance.gouv.fr at 23 dec 2017.
- Décision n 2003-467 DC. du 13 mars 2003, cons. 55, J.O. du 19 mars, visited at www. Conseil-constitutionnel.fr at 23 dec 2017.
- Leonard- Liyod, (2005) An Introduction to policing and police powers, Great Britain, Cavendish Publishing, second Edition.